

ده فرمان و ارزش های اخلاقی مطلق و ابدی خدا

(می توانید این بررسی را در فرمت html در بخش کتاب مقدس برای تمام فصول هفته ۲۳ مطالعه کنید.)

با عرض سلام خدمت دوستان گرامی، ادوارد سرکیسیان هستم و فصل دیگری از ۵۲ فصل کلیدی کتاب مقدس را در اینجا بررسی خواهم کرد. فصلی که بدین منظور برگزیده ام فصل بیستم کتاب خروج از عهد عتیق است. کتاب خروج، دومین کتاب از پنج کتاب تورات موسی است. (۱-پیدایش ۲-خروج ۳-لاویان ۴-اعداد ۵-تثنیه)

اندک زمانی بعد از خروج از مصر، قوم یهود در وادی سینا اردو زدند؛ همه قوم در روزی معین به دستور خدا اطراف کوه سینا تجمع کردند و ناگهان جلال خدا در کوه سینا ظاهر شد و دود و آتش سراسر کوه را فراگرفت؛ در آن روز خدا ده فرمان (ده کلمه یا دکالوگ، Decalogue به یونانی Deka Logoi) را به آنان داد.

ده فرمان خدا چکیده همه ارزش های اخلاقی او است که از قدوسیت، نیکویی و عدالت مطلق خدا سرچشمه می گیرد و چارچوب رفتار، گفتار، کردار، اراده، انگیزه ها، تفکرات، احساسات و خواسته های انسان را تعیین می کند؛ ده فرمان استاندارد اخلاقی مطلق، ابدی و تغییرناپذیر خدا برای انسان است. هر چند این فرامین متشکل از ده حکم و ظاهرا بسیار مختصر و فشرده هستند ولی بعد از مطالعه این بررسی خواهید دید که همه جوانب اخلاقی انسان را در بر می گیرند و بی نهایت وسیع اند:

۹۶ برای هر کمالی حدی می بینم،
اما فرمان تو بی نهایت وسیع است!
مزمور ۱۱۹: ۹۶

تفسیر دقیق و صحیح این فرامین به منظور شناخت ارزش های اخلاقی خدا و مسئولیت انسان در قبال این فرامین بسیار مهم و امری حیاتی است. رهبران مذهبی دین یهود در طول تاریخ تفسیری بسیار محدود، سطحی و تنگ نظرانه از این فرامین ارائه کرده اند که با قدوسیت، نیکویی و عدالت مطلق الهی منطبق نیست و ابدًا طول، عرض و ارتفاع وسیع این فرامین را پوشش نمی دهد. برای تفسیر صحیح و دقیق این فرامین علاوه بر متن فصل بیستم کتاب خروج باید کل کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید) را مد نظر قرار دهیم و آن را همچون نورافکنی بر این کلمات بتابانیم تا معنی دقیق آنها را دریابیم و از سطحی نگری و کوته بینی بپرهیزیم. بدون شک یکی از این نور افکن ها تفسیری است که مسیح خداوند در انجیل متی فصل پنجم به طور مختصر از برخی از این فرامین به ما ارائه می دهد.

قبل از اینکه ده فرمان را بررسی کنیم اجازه دهید مختصری به وقایع تاریخی حول و حوش این رخداد بپردازیم؛ ابتدا برگزیده ای از فصل ۱۹ کتاب خروج را ملاحظه کنید:

۱ بنی اسرائیل در ماه سوّم خروجشان از سرزمین مصر، در نخستین روز ماه به صحرای سینا رسیدند. ۲ آنان پس از عزیمت از رفیدیم، وارد صحرای سینا شدند، و در آنجا، اسرائیل مقابل کوه اردو زد...

۱۰ خداوند به موسی فرمود: «نزد قوم برو و ایشان را امروز و فردا تقدیس کن. به آنها بگو جامه های خود را بشویند ۱۱ و روز سوّم آماده باشند، زیرا در روز سوّم خداوند در برابر دیدگان همه قوم بر کوه سینا نزول خواهد کرد. ۱۲ حدودی گرداگرد کوه برای قوم قرار بده و به ایشان بگو: "مبادا از کوه بالا روید یا حتی دامنه کوه را لمس کنید! هر که کوه را لمس کند، هرآینه کشته شود...»

۱۶ صبح روز سوّم رعد و برق درگرفت و ابری غلیظ بر کوه پدیدار گشت و آواز بس بلند کرنا به گوش رسید، چندان که قومی که در اردوگاه بودند، همه بر خود لرزیدند! ۱۷ آنگاه موسی قوم را برای ملاقات با خدا از اردوگاه بیرون برد، و آنها در پای کوه آماده ایستادند. ۱۸ کوه سینا را دود فرا گرفته بود، زیرا خداوند در آتش بر آن نازل شده بود. دود آن همچون دود کوره بالا می رفت، و تمامی کوه به شدت می لرزید. ۱۹ چون آواز کرنا بس بلندتر و بلندتر می شد، موسی سخن می گفت و خدا به صدا او را پاسخ می داد. کتاب خروج ۱۹: ۱-۱۹

در فصل بیستم ادامه این رویداد این چنین توصیف شده است:

۱ آنگاه خدا همه این سخنان را فرمود:

۲ «مَنْم یهوه خدای تو، که تو را از سرزمین مصر، از خانه بندگی، بیرون آوردم... خروج ۲۰: ۲۱»

همانطور که ملاحظه می کنید خدا در آن روز از میان آتش، روبرو با قوم یهود که اطراف کوه سینا ایستاده بودند و تعدادشان متجاوز از یک و نیم میلیون نفر بود سخن گفت!

صدای مهیب و آسمانی خدا که همچون صدای شیپور عظیمی در فضای کوه سینا طنین افکنده بود ده فرمان را به همه قوم اعلام کرد. شاید حتی اقوام غیر یهودی و بیابان نشین که در اطراف آن مناطق زندگی می کردند و از دور شاهد آن رویداد باشکوه بودند نیز صدای مهیب خدا را شنیدند.

۲۲ «این سخنان را خداوند در کوه به تمامی جماعت شما از میان آتش و ابر و تاریکی غلیظ، به صدای بلند گفت، و چیزی دیگر نیفزود. تثیبه ۵: ۲۲»

بعد از این واقعه موسی به تنهایی به بالای کوه رفت و برای چهل روز و چهل شب در آنجا ماند. خدا مجدداً این فرامین را که بر دو تخته سنگ و بر هر دو طرف کنده کاری شده بود و کاملاً کار خدا بود به موسی داد:

۱۷ جلال خداوند در نظر بنی اسرائیل به سان آتشی سوزاننده بر قله کوه می نمود.
۱۸ و موسی به فراز کوه برآمده، به ابر داخل شد، و چهل شبانه روز در کوه بود. خروج ۲۴: ۱۷

۱۸ چون خدا سخنان خود را با موسی بر کوه سینا به پایان رسانید، دو لوح شهادت را به وی داد. آنها دو لوح سنگی بود که خدا به انگشت خود بر آنها نگاشته بود. خروج ۳۱: ۱۸

اما در این اثنا که موسی بالای کوه سینا بود قوم یهود که در صحرای سینا و مجاورت کوه سینا خیمه زده بودند به دلیل تاخیر موسی بی قرار شدند و از هارون برادر موسی درخواستی عجیب کردند:

۱ چون قوم دیدند فرود آمدن موسی از کوه به درازا کشید، گرد هارون جمع شده گفتند: «بیا برای ما خدایان بساز تا پیش روی ما بروند. زیرا نمی‌دانیم بر سر این مرد، موسی، که ما را از سرزمین مصر بیرون آورد، چه آمده است.»
خروج ۳۲: ۱

قوم یهود بعد از اینکه غیبت موسی به طول انجامید احتمالاً پنداشتند که موسی در آن دود و آتش عظیم کشته شده یا ناپدید شده است و از هارون که برادر موسی و سخنگوی وی نزد قوم یهود بود خواستند که خدایانی بسازد تا آنها را هدایت و رهبری کند و از سرگردانی نجات دهد؛ هارون نیز گوساله ای از طلا ساخت و قوم یهود با پرستش آن به لُهو و لُعب پرداختند:

۶ پس قوم سحرگهان برخاستند و قربانیهای تمامسوز و قربانیهای رفاقت* تقدیم کردند. سپس به خوردن و نوشیدن نشستند و به جهت لُهو و لُعب به پا خاستند.
خروج ۳۲: ۶

(کلمه ای که در کتاب مقدس فارسی هزاره نو «رفاقت» ترجمه شده است در عبری «سلامتی و صلح» است. این قربانی ها به منظور آشتی با خدا یا بطور ضمنی رفاقت و داشتن رابطه با خدا تقدیم می شدند!)

بدین ترتیب قوم یهود فرمان اول و دوم را صریحا زیر پا نهادند:

۳ «تو را خدایانِ غیر جز من میباشد.»

۴ «هیچ تمثال تراشیده‌ای برای خود مساز، خواه به شکل هر آنچه بالا در آسمان باشد و یا پایین بر زمین و یا در آبهای زیر زمین. ۵ در برابر آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما؛... خروج ۲۰: ۳-۵»

خداوند این رخداد را در بالای کوه سینا به موسی اطلاع داد:

۷ آنگاه خداوند به موسی گفت: «بی‌درنگ فرود آ، زیرا قوم تو که از سرزمین مصر به در آوردی، فساد کرده‌اند. ۸ آنها به همین زودی از راهی که بدیشان امر فرمودم انحراف ورزیده، برای خود گوساله ریخته‌شده ساخته‌اند و در برابر آن سجده کرده و قربانی نموده، گفته‌اند: ”ای اسرائیل، اینها هستند خدایانی که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردند!“» خروج ۳۲: ۷ و ۸

اما موسی با در دست داشتن دو لوح سنگی که ده فرمان بر آنها نوشته شده بود از کوه سینا پایین آمد:

۵ آنگاه موسی برگشت و در حالی که دو لوح شهادت را در دست داشت، از کوه به زیر آمد. بر هر دو طرف لوحها، یعنی پشت و روی آنها، نوشته شده بود. ۶ الوحها کار دست خدا بود و نوشته، نوشته خدا بود که بر لوحها حک شده بود. خروج ۳۲: ۱۵ و ۱۶

زمانی که موسی وضعیت اسفناک قوم یهود را از دور دید که به طرز وقیحانه بساط خوشگذرانی و عیاشی به پا کرده اند و در حال ستایش و پرستش گوساله طلایی هستند بسیار آشفته و عصبانی شد:

۹ چون موسی به اردوگاه نزدیک شد و آن گوساله و رقص مردم را دید، خشمش شعله‌ور گشت و لوحها را از دستان خود به زیر افکنده، آنها را پای کوه شکست. خروج ۳۲: ۹

بدین ترتیب لوح های سنگی که ده فرمان بر آنها نوشته شده بود و تماما کار خدا بود توسط انسان شکسته شدند!

این رخداد نمادی از داستان غم انگیز سقوط انسان در دره گناه است؛ انسانی که ارزش های اخلاقی خدا بر لوح قلبش نوشته شده اند ولی آن را تماما زیر پا نهاده است. اگر با خواندن این واقعه با خود می اندیشید که به راستی قوم یهود چقدر نامطیع و سرکش بودند زیرا با وجود دیدن آن همه معجزات، ملاقات با خدای زنده در کوه سینا و شنیدن صدای خدا و دیدن جلال وی بر بالای کوه مرتکب چنین رفتاری شنیع و پست شدند بعد از مطالعه این بررسی بدون شک به این نتیجه خواهید رسید که نه فقط قوم یهود بلکه همه انسان ها و من و شما نیز دقیقا در این منجلاب گرفتاریم!

توجه کنید ارزش های اخلاقی خدا از طبیعت الهی سرچشمه می گیرند و طبعا ابدی، مطلق، تغییر ناپذیر و حاکم بر همه آفرینش خدا هستند. این ارزش ها در وجود و تار و پود هر انسانی حک شده اند و انسان ها دقیقا لحظه ای که این قوانین را زیر پا می نهند احساس گناه، خطا، ترس، اضطراب و بی قراری وجودشان را فرا می گیرد؛ در واقع خدا در انسان ها مکانیسمی بازدارنده قرار داده است که «وجدان» نامیده می شود و لحظه ای که انسان ها می خواهند از خطوط قرمز اخلاقی عبور کنند وجدان مانند درد فیزیکی یا آژیر خطر به آنها هشدار می دهد اما متاسفانه این مکانیسم به دلیل سقوط انسان از مقام والای خویش دیگر به خوبی کار نمی کند؛ یک نرم افزار کامپیوتری اگر به ویروسی آلوده شده باشد دیگر قابل اطمینان نیست یا اصلا کار نمی کند مکانیسم وجدان نیز تحت تاثیر شرارت درونی و اطلاعات نادرستی که از طریق فرهنگ، باورها و ایدئولوژی ها، آموزش و تربیت ... از بیرون به آن تزریق می شود دیگر به خوبی کار نمی کند. مثلا در خانواده ای که دروغگویی رفتاری کاملا نرمال تلقی و یا حتی به آن تشویق می شود بچه ها در بزرگسالی مکانیسم وجدانشان به خوبی عمل نخواهد کرد و به راحتی دروغ خواهند گفت؛ با وجود این به دلیل اینکه ارزش های اخلاقی خدا در وجود فرد دروغگو حک شده است وی اذعان خواهد کرد که دروغگویی بسیار بد است ولی به محض اینکه در شرایط خاصی قرار گرفت مجددا دروغ خواهد گفت و آن دروغ را نیز توجیه خواهد کرد!

بنابراین حتی قبل از اینکه ده فرمان بر روی لوح های سنگی به قوم اسرائیل داده شود ارزش های اخلاقی خدا بر لوح قلب هر انسانی حک شده است و همچنان استاندارد مطلق خدا برای عدالت و پارسایی و نیکویی بشمار می آیند و

بدون استثنا همه انسان ها از آدم و حوا گرفته تا آخرین انسانی که بر کره خاکی پای خواهد نهاد مطابق با آن داوری خواهند شد؛ سرنوشت ابدی همه انسان ها به این فرامین گره خورده است!

بعد از اینکه موسی لوح های ده فرمان را که تماما کار خدا بودند در پای کوه سینا شکست خدا مجددا این فرمان ها را بر روی لوح های سنگی دیگری نوشت و به موسی داد:

۱ «در آن هنگام خداوند مرا گفت: "دو لوح سنگی دیگر همانند لوحهای نخست برای خود بتراش و بر فراز کوه به حضور من بیا. صندوقی از چوب نیز برای خود بساز. ۲ من کلمات لوحهای نخست را که شکستی، بر این لوحها خواهم نوشت، و تو باید آنها را در صندوق بگذاری." ۳ پس صندوقی از چوب اقاقیا ساختم و دو لوح سنگی همانند لوحهای نخست تراشیدم و آن دو لوح را به دست گرفته، به کوه برآمدم. ۴ آنگاه خداوند آن ده فرمان را که در کوه در روز گردهم آیی از میان آتش به شما گفته بود مطابق نگارش نخستین بر روی آن لوحها نوشت و آنها را به من داد. ۵ آنگاه روی گردانیده، از کوه فرود آمدم، و لوحها را در صندوقی که ساخته بودم نهادم. و در آنجا هستند، همانگونه که خداوند مرا امر فرموده بود.»

تثنیه ۱۰: ۱-۵

قبل از اینکه به تفصیل این فرمان ها را بررسی کنیم اجازه دهید به طور خلاصه به اصولی که در تفسیر این فرمان ها مد نظر قرار خواهیم داد اشاره کنم؛ این اصول از کل کتاب مقدس استخراج شده اند و مفاهیم نهفته در ده فرمان را آشکار می سازند:

۱- این فرمان ها در وهله اول جنبه روحانی دارند بدین معنی که علاوه بر گفتار و کردار انسان ها به وضعیت درونی انسان نیز که در ذهن و ضمیرش می گذرد

و افکار، انگیزه ها، احساسات، اراده و تمایلاتش را کنترل می کند و انعکاس آن در رفتار بیرونی، گفتار و کردارش ظاهر می شود نیز توجه دارد!

۸ اما آنچه از دهان بیرون می آید، از دل سرچشمه می گیرد، و این است آنچه آدمی را نجس می سازد. ۹ زیرا از دل است که افکار پلید، قتل، زنا، بی عفتی، دزدی، شهادت دروغ و تهمت سرچشمه می گیرد. انجیل متی ۱۵ : ۸ و ۹

ما حتی در غیاب رفتار بیرونی در صورتی که در ذهن و ضمیر خود این قوانین را بشکنیم همچنان نزد خدا گناهکار محسوب خواهیم شد؛ بعدا خواهیم دید که فرمان دهم بر این حقیقت تاکید می ورزد. دانستن این موضوع ما را از خود فریبی برحذر می دارد.

۲- دامنه این فرمان ها بی نهایت وسیع است:

۹۶ برای هر کمالی حدی می بینم،
اما فرمان تو بی نهایت وسیع است!
مزمور ۱۱۹ : ۹۶

این اصل بدین معنی است که آنچه در ده فرمان آمده است صرفا یک طبقه بندی بسیار بسیار کلی و فشرده از فرامینی است که دامنه کاربردها بسیار وسیع و نامحدود است.

مثلا وقتی که فرمان ششم می گوید «قتل مکن.» بدین معنی نیست که اگر شما با چماقی سر همسایه تان را بشکنید ولی تا وقتی که او هنوز نفس می کشد گناهی مرتکب نشده اید بلکه همانطور که بعدا به تفصیل توضیح خواهم داد این فرمان هرگونه صدمه و جراحت جسمانی و حتی هر نوع صدمه روحی و روانی به شخص دیگر را نهی می کند و هر گونه تجاوز به حریم و حقوق دیگران را عبور از خط قرمز خدا می داند!

۳- در دل هر فرمان منفی به طور ضمنی فرمان یا فرمان هایی مثبت و برعکس در دل هر فرمان مثبتی فرمان یا فرمان های منفی گنجانده شده است. مثلا وقتی فرمان هفتم می گوید «دزدی مکن.» و انسان ها را از این عمل نهی می کند

(فرمان منفی) همزمان بر فرمان های مثبتی مانند (کار کن.) ، (بر خدا توکل کن.) و (به نیازمندان کمک کن.) نیز تاکید می کند یعنی برای اجتناب از این گناه شخص باید با اعتماد به خداوند و با کار و کوشش احتیاجات خود و خانواده اش را فراهم کند و علاوه بر آن باید به مسکینان نیز کمک کند؛ توجه کنید سه فرمان مثبت «کار کن.» «بر خدا توکل کن.» و «به دیگران نیکویی کن.» جز ارزش های اخلاقی الهی هستند و نافرمانی از آنان به همان اندازه گناه است که نافرمانی از فرمان «دزدی مکن» گناه است!

۱۷ بنابراین، هر که بداند چه کاری درست است و آن را انجام ندهد، گناه کرده است. یعقوب ۴: ۱۷

پولس رسول در تایید این مطلب می گوید:

۲۸ دزد دیگر دزدی نکند، بلکه به کار مشغول شود، و با دستهای خود کاری سودمند انجام دهد، تا بتواند نیازمندان را نیز چیزی دهد. افسسیان ۴: ۲۸

۱۰ زیرا حتی زمانی که با شما بودیم این حکم را به شما دادیم که «هر که نمی‌خواهد کار کند، نان هم نخورد.» دوم تسالونیکیان ۳: ۱۰

۴- وقتی که در فرمانی رفتاری یا عملی منع شده است هرگونه وضعیت، منشا یا علتی که به آن گناه منجر شود نیز منع شده است. اگر فرمان ششم می گوید «قتل مکن.» بنابراین تنفر، خشم، حسادت، طمع ... که ممکن است کسی را به این عمل سوق دهد نیز منع شده است و شامل این فرمان است. بر عکس هر وضعیتی یا علتی که منجر به اطاعت از فرمانی شود واجب و به طور ضمنی بخشی از آن فرمان است اگرچه در ده فرمان ذکری از آن نشده باشد برای مثال بدیهی است که کسی که به دیگران محبت می ورزد هرگز به آنان صدمه جانی، مالی، روحی و روانی نمی رساند و بنابراین «محبت» والاترین ارزش اخلاقی خدا و قلّه اورست آن است و در تک تک ده فرمان به طور ضمنی گنجانده شده است.

۵- تمام فرامین الهی در رابطه ای تنگاتنگ با هم هستند و در هم تنیده شده اند به طوری که نافرمانی از یکی به نافرمانی از همه فرامین منجر می شود. مثلا مردی که مرتکب زنا می شود فرمان هفتم (زنا مکن.) را می شکند اما قبل از آن در قلبش به زنی دیگر طمع ورزیده است و بنابراین فرمان دهم را شکسته است. کسی که یکی از ده فرمان خدا را بشکند بدون شک فرمان اول را شکسته است زیرا احترامی برای اراده خدا قائل نشده است و خود را برتر از خدا دانسته است. چنین استدلالی را می توان برای هر گناهی ارائه داد؛ مثلا لحظه ای که فرمان اول را بشکنید و خدا دیگر اولویت زندگی شما نباشد یعنی به خدایان غیر واقعی یا چیزهای دیگر دل ببندید شما فرمان هفتم «زنا مکن.» را نیز شکسته اید زیرا مرتکب زنا ی روحانی شده اید و به خدا خیانت ورزیده اید:

۲۰ اما همچون زنی که به شوهر خود خیانت ورزد،
تو ای خاندان اسرائیل به من خیانت ورزیدی؛

این است فرموده خداوند. «
ارمیا نبی ۳: ۲۰

۱۰ زیرا اگر کسی تمام شریعت را نگاه دارد اما در یک مورد بلغزد، مجرم به شکستن تمام شریعت است. رساله یعقوب ۲: ۱۰

۶- اگر کسی عمدا با ایجاد مانعی یا فراهم کردن شرایطی باعث شود که شخص دیگری از فرمان الهی سرپیچی کند هرچند خود مستقیما از آن سرپیچی نکرده باشد خود نیز مقصر به شکستن آن فرمان است و با شخص خاطی شریک جرم محسوب می شود مثلا اگر کارمندی همکاری را به گرفتن رشوه یا سو استفاده مالی تشویق کند خود نیز فرمان هشتم «دزدی مکن.» را شکسته است ؛ همچنین اگر کسی در مقام و موقعیتی باشد که بتواند از وقوع جرمی جلوگیری کند ولی به هر دلیلی مثلا حفظ منافع شخصی یا هر مصلحت دیگری از آن ممانعت نرزد نیز در آن گناه شریک است برای مثال پیلاتوس فرماندار رومی سرزمین یهودیه در حالی که صد در صد می دانست مسیح بیگناه است و این را

علنا چندین بار نزد همه اعلام کرد ولی به دلیل مصلحت و برای حفظ مقام و موقعیت سیاسی خود مسیح را به اعدام محکوم کرد؛ بدین ترتیب پیلاتوس در بزرگترین جنایت تاریخ بشری مشارکت کرد هر چند که خودش نظری متفاوت داشت!

۲۴ چون پیلاطس دید که کوشش بیهوده است و حتی بیم شورش می‌رود، آب خواست و دستهای خود را در برابر مردم شست و گفت: «من از خون این مرد بری هستم. خود دانید!» متی ۲۷: ۲۴

عکس این مطلب نیز صحیح است اگر با تعلیم دادن یا تشویق کردن، کسی را برای انجام فرامین خدا یاری دهید شما نیز بدون شک گنجی در آسمان برای خود خواهید اندوخت!

۱۸ زیرا آمین، به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، نقطه یا همزه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد، تا اینکه همه به انجام رسد. ۱۹ پس هر که یکی از کوچکترین این احکام را کم‌اهمیت شمارد و به دیگران نیز چنین بیاموزد، در پادشاهی آسمان، کوچکترین به شمار خواهد آمد. اما هر که این احکام را اجرا کند و آنها را به دیگران بیاموزد، او در پادشاهی آسمان بزرگ خوانده خواهد شد. متی ۵: ۱۸ و ۱۹

۷- همه ارزش‌های اخلاقی خدا در «محبت و عشق» متبلور می‌شوند! ده فرمان را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ بخش نخست آن در «محبت به خدا» و بخش دوم در «محبت به انسان‌ها» خلاصه می‌شود زیرا محبت غایت و انجام شریعت است و محبت را حد و مرزی نیست زیرا خدا محبت است!

۳۶ «ای استاد، بزرگترین حکم در شریعت کدام است؟» ۳۷ عیسی پاسخ داد: «خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما.» ۳۸ این نخستین و بزرگترین حکم است. ۳۹ دومین حکم نیز همچون حکم نخستین است: «همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت نما.» ۴۰ تمامی شریعت موسی و نوشته‌های پیامبران بر این دو حکم استوار است. متی ۲۲: ۳۶-۳۹

۸ هیچ دینی به کسی نداشته باشید جز اینکه یکدیگر را پیوسته محبت کنید.
 زیرا هر که به دیگری محبت کند، در واقع شریعت را به جا می‌آورد. ۹ زیرا
 احکام 'زنا مکن'، 'قتل مکن'، 'دزدی مکن'، 'طمع مورز'، و هر حکم دیگری
 که باشد، همه در این کلام خلاصه می‌شود که «همسایه‌ات را همچون خویشتن
 محبت کن.» ۱۰ محبت، به همسایه خود بدی نمی‌کند؛ پس محبت تحقق شریعت
 است. رومیان ۱۳: ۸-۱۰

۹- در آخر یادآوری این موضوع بسیار مهم است که «گناه» سرپیچی از شریعت
 یا ده فرمان خدا است. بنابراین هر بار که فرمانی را زیر پا می‌نهد گناه می
 ورزید زیرا ده فرمان انعکاس قدوسیت، عدالت و نیکویی خداست و خلاف آن
 ضد ذات و جوهر خدا است.

۴ هر کس در گناه زندگی می‌کند برخلاف شریعت عمل می‌کند؛ گناه به‌واقع
 مخالفت با شریعت است.
 اول یوحنا ۳: ۴

با این توضیحات مختصر اجازه دهید به هر کدام از ده فرمان بپردازیم و آنها
 را بررسی کنیم:

فرمان اول:

۳ «تو را خدایان غیر جز من نباشد. خروج ۲۰: ۳

در اینجا ضمیر دوم شخص مفرد «تو» بسیار چشمگیر است؛ همه این فرامین
 خطاب به «تو» است نه به «شما» نه به «قوم» یا «گروه» ... و همه افعال
 نیز مفرد هستند.

خدا از طریق این فرامین مستقیماً با شنونده یا خواننده آن صحبت می‌کند. بانگ
 شیپور خدا که لرزه به تن یهودیان انداخته بود با تک تک آنان سخن می‌گفت و
 هر فرد بالغی که می‌توانست این کلمات را درک کند در قبال آنها مسئول بود.
 همین لحظه ای که این سطور را می‌خوانید این فرمان با «تو» سخن می‌گوید!

حقیقت بدیهی و نهفته در این فرمان این است که اولاً باید به وجود خدا ایمان داشته باشید؛ بنابراین همه آتئیست ها (کسانی که مدعی هستند خدایی وجود ندارد، خداناباوران) و یا آگنوستیک ها (کسانی که به وجود خدا شک دارند، ندانم گرایان) این فرمان را زیر پا نهاده اند. در قرنی زندگی می کنیم که روز به روز به تعداد آتئیست ها در جوامع مختلف و مخصوصاً در میان قشر جوان افزوده می شوند. لحظه ای که به هر دلیلی به وجود خدا شک کنید این فرمان را شکسته اید! چند بار در زندگی تان به وجود خدا شک کرده اید؟ زیبایی و شگفتی جهان هستی از ذرات بنیادی گرفته تا کهکشان های عظیم و همه موجودات زنده به وجود خالق قادر مطلق، همه دانا، همه جا حاضر... شهادت می دهند. کسانی که حتی با داشتن مدارج بالای علمی به وجود خدا ایمان ندارند عقل سلیم و منطق را به کناری نهاده اند و داستان های علمی تخیلی را جایگزین علم و دانش واقعی کرده اند؛ آنها در بطالت ذهن تاریک خود سیر می کنند و همه چیز را نتیجه شانس و تصادف می دانند؛ یعنی شانس و تصادف از «هیچ»، جهانی بدین شگفتی و عظمت بوجود آورده است!

انسان هایی که به وجود خدایی یا خدایانی ایمان دارند ولی مطلقاً رابطه ای شخصی با خدای واقعی ندارند و او را نمی شناسند نیز از فرمان اول سرپیچی کرده اند. زیرا فرمان اول به همه انسان ها حکم می کند که باید خدای واقعی که خالق آسمان و زمین است را به عنوان خدای خود بپذیرند و نه به خدایی که ساخته و پرداخته ذهن باطل انسان ها است؛ به ضمیر «من» در این فرمان توجه کنید: ۳ «تو را خدایان غیر جز من مباشد.»

اما این ضمیر «من» اشاره به چه کسی است؟ آیات اول و دوم این امر را برای ما روشن می سازد:

۱ آنگاه خدا همه این سخنان را فرمود:

۲ «مَنْ يَهُوه خدای تو، که تو را از سرزمین مصر، از خانه بندگی، بیرون

آوردم... خروج ۲۰: ۲۱

همچنین در فرمان چهارم، مجدداً یَهُوه خدا تاکید می ورزد که او خالق آسمان و زمین است:

۱ ازیرا خداوند در شش روز آسمان و زمین و دریا را با هر آنچه در آنهاست
بساخت،... خروج ۲۰: ۱۱

یَهُوه نام خدا در عهد عتیق است و خدای قادر مطلق با این نام خود را به انبیای قوم اسرائیل ظاهر ساخته است و همانطور که بارها در بررسی های مختلف و مقالات به آن اشاره کرده ام معنی آن «من هستم»، «هستم»، یا «هستم آنکه هستم» است که اشاره ای است به ازلی و ابدی بودن خدا و اینکه وی سرچشمه حیات و زندگی است و خود قائم به ذات است و هیچ علتی بر او مترتب نیست. اولویت زندگی هر انسانی بر کره خاکی باید این باشد که خدای واقعی را بشناسد با او رابطه داشته باشد و به او عشق بورزد؛ امری مهمتر از این وجود ندارد. یهوه خدا در فرمان اول تاکید می کند که فقط و فقط او خدای واقعی است و خود را در کتاب مقدس عهد عتیق و جدید آشکار کرده است. مکاشفه تدریجی الهی به انسان ها در طول تاریخ در صفحات کتاب مقدس مکتوب شده است و در نهایت با ظهور مسیح خداوند به کمال رسیده است:

۱ در گذشته، خدا بارها و از راههای گوناگون به واسطه پیامبران با پدران ما سخن گفت، ۲ اما در این ایام آخر به واسطه پسر خود با ما سخن گفته است، پسری که او را وارث همه چیز مقرر داشت و به واسطه او جهان را آفرید. ۳ او فروغ جلال خدا و مظهر کامل ذات اوست، و همه چیز را با کلام نیرومند خود نگاه می دارد. او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست. عبرانیان ۱: ۱-۳

مسیح خداوند برترین و کامل ترین مکاشفه یهوه خدای عهد عتیق است؛ اگر مسیح را بشناسیم و با او رابطه داشته باشیم یعنی با یهوه خدا رابطه داریم زیرا مسیح همان «من هستم» عهد عتیق است:

۱ ۵ آمین، آمین، به شما می گویم، اگر کسی کلام مرا نگاه دارد، مرگ را تا به ابد نخواهد دید. ۲ ۵ یهودیان به او گفتند: «اکنون دیگر یقین دانستیم که دیوزده ای! ابراهیم و پیامبران مردند، و حال تو می گویی، "اگر کسی کلام مرا نگاه دارد، طعم مرگ را تا به ابد نخواهد چشید!"» ۳ ۵ آیا تو از پدر ما ابراهیم هم بزرگتری؟

او مُرد، و پیامبران نیز مردند. خود را که می‌پنداری؟» ۵۴ عیسی گفت: «اگر من خود را جلال دهم، جلال من ارزشی ندارد. آن که مرا جلال می‌دهد، پدر من است، همان که شما می‌گویید، خدای ماست. ۵۵ هر چند شما او را نمی‌شناسید، اما من او را می‌شناسم. اگر بگویم او را نمی‌شناسم، همچون شما دروغگو خواهم بود. اما من او را می‌شناسم و کلام او را نگاه می‌دارم. ۵۶ پدر شما ابراهیم شادی می‌کرد که روز مرا ببیند؛ و آن را دید و شادمان شد.»

۵۷ یهودیان به او گفتند: «هنوز پنجاه سال نداری و ابراهیم را دیده‌ای؟»

۵۸ عیسی به ایشان گفت: «آمین، آمین، به شما می‌گویم، پیش از آنکه ابراهیم باشد، من هستم!» ۵۹ پس سنگ برداشتند تا سنگسارش کنند، اما عیسی خود را پنهان کرد و از محوطه معبد بیرون رفت. یوحنا ۸: ۵۱-۵۹

لحظه ای که وجود خدای واقعی را پذیرفتید و قبول کردید که او جهان هستی را آفریده است باید او را بپرستید و از کلام او اطاعت کنید در غیر این صورت اعتقاد صرف به وجود خدای واقعی نیز مطلقا سودی نمی‌بخشد و شما همچنان فرمان اول را شکسته اید. اما سوال اساسی که مطرح می‌شود این است که پرستش خدای واقعی به چه معناست؟

اول اینکه باید با تمام وجود عاشق خدا باشید و او را محبت کنید!

عیسی پاسخ داد: «"خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما." ۳۸ این نخستین و بزرگترین حکم است. متی ۲۲: ۳۷ و ۳۸

این بدین معنی است که اولویت زندگی شما باید خداوند و اطاعت از کلام او باشد و توان، ثروت و وقت خود را در خدمت به او صرف کنید!

راستی چه چیزهایی در این دنیا بیشتر توان، وقت و ثروت شما را به خود اختصاص داده اند؟

دوم اینکه باید با تمام وجود و در هر شرایطی به خدا و کلامش توکل و اعتماد کنید. لحظه ای که به جای توکل و اعتماد کامل به کلام خدا (کتاب مقدس) به خدایان، انسان ها، باورها و یا هر چیز دیگری توکل و اعتماد کنید شما فرمان اول را زیر پا نهاده اید و محکوم هستید!

۱۸ ای قوم، همواره بر او توکل کنید، مزمور ۶۲: ۸

۵ خداوند چنین می فرماید:

«ملعون باد آن که بر انسان توکل کند،

و بشرِ خاکی را قوت خویش سازد،

و دلش از خداوند برگردد.

۶ او همچون بوته‌ای در بیابان خواهد بود

که روی سعادت نخواهد دید.

او در مکانهای خشک بیابان ساکن خواهد بود،

بر زمینِ شوره‌زارِ غیرمسکون.

۷ «اما مبارک است آن که بر خداوند توکل کند،

و اعتمادش بر او باشد.

۸ او همچون درختی نشانده در کنار آب خواهد بود،

که ریشه‌های خویش را به جانب نهر می‌گستراند؛

چون موسم گرما فرا رسد، هراسان نخواهد شد،

و برگهایش همیشه سبز خواهد ماند؛

در خشکسالی نیز نگران نخواهد بود،

و از ثمر آوردن باز نخواهد ایستاد.» کتاب ارمیا نبی ۱۷: ۵-۸

سوم اینکه باید از خداوند بترسید و از هرگونه شرارت و بدی اجتناب کنید:

۱۳ اترس خداوند، نفرت از بدی است؛ امثال ۸: ۱۳

۹ خداوند را در فرّ قدوسیتش بپرستید!
ای تمامی زمین، از حضور او بلرزید! مزمور ۹۶: ۹

هنگامی که قوم یهود در اطراف کوه سینا تجمع کرده بودند جلال خدا بر کوه سینا به صورت آتش و دودی عظیم، رعد و برق و زمین لرزه ظاهر شد و در حالی که همگی از ترس به خود می لرزیدند و توان ایستادن نداشتند خدا با آنان سخن گفت. توجه کنید که «جلال خدا» عبارت است از تجلی عظمت، زیبایی، قدوسیت، قدرت و دیگر صفات خداوند در جهان مادی و در قالب عناصر مادی (نور، آتش، باد، رعد و برق، ابر...) و یا در قالب عناصر غیر مادی که در جهان غیر مادی ظاهر می شود؛ اگر خدا جلال خود را به کمال ظاهر سازد چه در جهان مادی و چه در جهان غیر مادی همه مخلوقاتش نابود خواهند شد و تاب تحمل آن را نخواهند داشت بنابراین خدا در طول تاریخ بشری به خاطر محبت و رحمتش جلال خویش را بسیار محدود در حدی که مخلوقاتش تاب تحمل آن را داشته باشند و آن هم به ندرت ظاهر ساخته است. ما باید طوری زندگی کنیم که انگار جلال خدا بر ما ظاهر شده است و نور درخشان خدا بر ما تابیده است!

۱۱ خداوند را با ترس عبادت کنید
و بالرز به وجد آید.
مزمور ۲: ۱۱

چهارم اینکه باید او را هر چه بیشتر بشناسید و اراده او را در کلامش جستجو کنید زیرا محبت ما نسبت به خداوند با شناخت بیشتر او بیش از پیش رشد می کند؛ طبیعا شما نمی توانید کسی را که شناختی از او ندارید محبت بورزید؛ برای تحقق این امر باید هر روز کتاب مقدس را مطالعه و در آن تفکر کنید.

۱ خوشا به حال کسی که در مشورت شریران گام نزند
و در راه گنهکاران نایستد
و در محفل تمسخرگران ننشیند؛
۲ بلکه رغبتش در شریعت خداوند باشد
و شبانه روز در شریعت او تأمل کند.

۳ او بسان درختیست نشانده بر کناره جویبار،
 که میوه خویش در موسمش آرد به بار،
 و برگش نیز پژمرده نشود،
 و در هر آنچه کند کام یابد. مزمور ۱: ۳-۱

۲۳ خداوند چنین می‌گوید: «حکیم، از حکمت خود فخر ننماید و جبار، از تنومندی
 خویش مفتخر نشود و دولت‌مند از دولت خود افتخار نکند.
 ۲۴ بلکه هر که فخر نماید از این فخر بکند که فهم دارد و مرا می‌شناسد که من
 یهوه هستم که رحمت و انصاف و عدالت را در زمین بجا می‌آورم زیرا خداوند
 می‌گوید در این چیزها مسرور می‌باشم.» کتاب ارمیا نبی ۹: ۲۳ و ۲۴

پنجم اینکه باید او را بستایید یعنی با سرودهای روحانی و با شادی برای ویژگی
 ها و صفات الهی، کارها و اعمال عظیمش، هدیه نجات و حیات جاودانی، برکات
 فیزیکی و روحانی ... هر روز او را شکرگزاری کنید.

۱۶ همیشه شاد باشید؛ ۱۷ پیوسته دعا کنید؛ ۱۸ در هر وضعی شکرگزار باشید،
 زیرا این است اراده خدا برای شما در مسیح عیسی. اول تسالونیکیان ۵:
 ۱۶-۱۷

۱ هَللویاه!

ای جان من، خداوند را ستایش کن!
 ۲ تا زنده‌ام خداوند را ستایش خواهم کرد؛
 تا وجود دارم برای خدای خود سرود ستایش خواهم خواند.
 مزمور ۱۴۶: ۱ و ۲

ای خدای من، ای پادشاه، تو را متعال خواهم خواند،

و نامت را متبارک خواهم گفت، تا ابدالآباد.
 ۲ تو را هر روزه متبارک خواهم خواند،
 و نامت را ستایش خواهم کرد، تا ابدالآباد.
 ۳ خداوند بزرگ است و شایان ستایش بسیار؛
 عظمت او را کاوش نتوان کرد. مزمور ۱۴۵: ۱-۳

ششم اینکه باید خدا را در روح و راستی پرستش کنید. پرستش انسان های
 نفسانی که فاقد تولد تازه هستند و حیات روح القدس در آنها جریان ندارد هیچ
 سودی نمی بخشد. فقط و فقط پرستش انسان روحانی مورد پسند خداوند است.
 همچنین پرستندگان واقعی، خدا را مطابق حقایق مکتوب در کتاب مقدس و نه
 تخیلات ذهن و یا دروغ ها و تعالیم شیطانی پرستش می کنند:

۲۳ اما زمانی می رسد، و هم اکنون فرا رسیده است، که پرستندگان راستین، پدر
 را در روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا پدر جویای چنین پرستندگانی
 است. انجیل یوحنا ۴: ۲۳

۱۴ اما انسان نفسانی امور مربوط به روح خدا را نمی پذیرد زیرا در نظرش
 جهالت است، و قادر به درکشان نیست، چرا که قضاوت درست درباره آنها تنها
 از دیدگاهی روحانی میسر است. اول قرننتیان ۲: ۱۴

فرمان اول نشان می دهد که انسان های بیشماری در دنیا و در طول تاریخ
 بشری ترجیح داده اند که خدایان غیر واقعی را بپرستند. خدایان غیر واقعی
 خدایانی هستند که ساخته پرداخته ذهن انسان سقوط کرده و یا شیطان و
 فرشتگان شریر است و وجود خارجی ندارند. خدای واقعی از ازل تا ابد همان
 خدای تغییر ناپذیری است که خود را در صفحات کتاب مقدس عهد عتیق و جدید
 به همه انسان ها آشکار کرده است.

۳ «تو را خدایان غیر جز من میباشد. خروج ۲۰: ۳»

دقت کنید که عمیق ترین شرارت انسان خودخواهی و خودپرستی است؛ انسان به جای خدای واقعی خودش را می پرستد و به جای اطاعت از اراده خدا به دنبال انجام اراده خودش است! این بدین معنی است که بجای اینکه خدا مرکز ثقل انسان باشد زندگی انسان ها حول و هوش خودشان می چرخد. نتایج و میوه های تلخ خودخواهی به شکل های مختلف در زندگی انسان ظاهر می شوند و در نهایت انسان را به هلاکت می رسانند.

آیا «تو» از فرمان اول در سراسر زندگی ات اطاعت کرده ای؟

فرمان دوم:

۴ «هیچ تمثال تراشیده‌ای برای خود مساز، خواه به شکل هر آنچه بالا در آسمان باشد و یا پایین بر زمین و یا در آبهای زیر زمین. ۵ در برابر آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما؛ زیرا من، یهوه خدای تو، خدایی غیورم که جزای تقصیرات پدران را به فرزندان و پشت سؤم و چهارم آنان که مرا نفرت کنند می‌رسانم. ۶ اما کسانی را که مرا دوست بدارند و فرمانهایم را حفظ کنند، تا هزار پشت محبت می‌کنم. خروج ۲۰: ۴-۶»

این فرمان نیز مانند فرمان های دیگر بسیار وسیع است و علاوه بر جنبه بیرونی و ظاهری به درون و باطن انسان نظر دارد.

در حالی که فرمان اول ما را از پرستش خدایان غیر واقعی برحذر می دارد و امر می کند که باید فقط خدای واقعی را پرستش و محبت کنیم فرمان دوم انسان را از پرستش خدای واقعی به روش نادرست که ابداع ذهن باطلش است نهی می کند!

برای درک بیشتر فرمان دوم اجازه دهید مجدداً به وقایع کوه سینا برگردیم و اندکی دقیق تر آنها را بررسی کنیم. بعد از اینکه قوم یهود در اطراف کوه سینا جلال خدا را دیدند و بانگ مهیب و آسمانی خدا ده فرمان را به آنان اعلام کرد

چنان ترسی بر آنان مستولی شده بود که دیگر تاب تحمل آن را نداشتند و بنابراین از موسی خواستند که از آن پس خودش به طور غیر مستقیم پیام خدا را به آنان بدهد:

۱۸ چون قوم رعد و برق را دیدند، و آواز کرنا را شنیدند، و کوه را که پر از دود بود مشاهده کردند، جملگی به خود لرزیدند. آنها دور ایستادند و ۱۹ به موسی گفتند: «تو خود با ما سخن بگو و ما خواهیم شنید، اما خدا با ما سخن نگوید، مبادا بمیریم.»
خروج ۲۰: ۱۸ و ۱۹

بنابراین از آن پس با درخواست مردم خدا با موسی سخن می گفت و موسی پیام خدا را به قوم یهود می داد:

۲۲ آنگاه خداوند به موسی گفت: «بنی اسرائیل را چنین بگو: "شما خود دیدید که از آسمان با شما سخن گفتم. ۲۳ خدایان نقره در کنار من مسازید؛ خدایان طلا برای خود مسازید. ۲۴ مذبحی از خاک برایم بساز و بر آن قربانیهای تمامسوز و قربانیهای رفاقت از گله و رمة خویش تقدیم کن.»
خروج ۲۰: ۲۲-۲۴

بعد از این ماجرا موسی به بالای کوه سینا صعود کرد و به مدت چهل شبانه روز در آنجا ماند. در این اثنا قوم یهود که تازه از مصر خارج شده و گویی بلاتکلیف و بدون رهبر بودند نزد هارون برادر موسی که سخنگوی وی بود شکایت کرده از او خواستند که برای آنان خدایان بسازد که آنها را هدایت و رهبری کنند:

۱ چون قوم دیدند فرود آمدن موسی از کوه به درازا کشید، گرد هارون جمع شده گفتند: «بیا برای ما خدایان بساز تا پیش روی ما بروند. زیرا نمی دانیم بر سر این مرد، موسی، که ما را از سرزمین مصر بیرون آورد، چه آمده است.»
۲ هارون در پاسخ گفت: «گوشواره های طلا را که در گوش زنان و پسران و دخترانتان است، به در آورده، نزد من آورید.» ۳ پس همه قوم گوشواره های طلا را از گوشهایشان به در آورده، نزد هارون بردند. ۴ هارون آن را از دست ایشان

گرفته، با قلم شکل داد و به صورت گوساله‌ای ریخته‌شده درآورد. آنگاه ایشان گفتند: «ای اسرائیل، اینها هستند خدایان تو که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردند.» ۵ هارون چون این را دید، مذبحی در برابر آن گوساله بنا کرد و اعلام نمود: «فردا جشنی برای خداوند خواهد بود.» خروج ۳۲: ۱-۵

توجه کنید که در آیه ۵ هارون به قوم اعلام کرد که «فردا جشنی برای خداوند خواهد بود.» در این آیه کلمه ای که «خداوند» ترجمه شده است در واقع به عبری همان کلمه «يَهُوه» است بنابراین قصد هارون در واقع پرستش خدای واقعی در قالب گوساله طلایی بود حتی قوم یهود دقیقا مطابق دستور خدا در خروج ۲۰: ۲۴ قربانی‌های تمام سوز و قربانی‌های رفاقت (صلح و آشتی با خدا) به آن گوساله طلایی تقدیم کردند:

۲۴ مذبحی از خاک برایم بساز و بر آن قربانیهای تمام‌سوز و قربانیهای رفاقت از گله و رمة خویش تقدیم کن.
خروج ۲۰: ۲۴

۶ پس قوم سحرگاهان برخاستند و قربانیهای تمام‌سوز و قربانیهای رفاقت تقدیم کردند. سپس به خوردن و نوشیدن نشستند و به جهت لهُو و لَعِب به پا خاستند.
خروج ۳۲: ۶

بنابراین قوم یهود، يَهُوه خدا را به شکلی که خود می‌پسندیدند پرستش کردند. آنها هر چند بخشی از دستور خدا را اطاعت کردند ولی بخش نخست آن را زیر پا نهادند:

۲۲... ”شما خود دیدید که از آسمان با شما سخن گفتم. ۲۳ خدایان نقره در کنار من مسازید؛ خدایان طلا برای خود مسازید. خروج ۲۰: ۲۲ و ۲۳

هرچند این رخداد تاریخی برای ما که حدود ۳۵۰۰ سال با آن فاصله داریم قابل هضم و درک نیست ولی همین لحظه که این سطور را می خوانید متأسفانه صدها میلیون نفر در سراسر دنیا که حتی خود را پیرو مسیح می دانند این فرمان را زیر پا نهاده اند!

اگر وارد هر کلیسای کاتولیک در گوشه و کنار جهان شوید بدون شک مجسمه های مسیح، مریم یا لاقل تصاویر و نقاشی هایی از مسیح و رسولان بر در و دیوار کلیسا خواهید دید. کلیساهای اُرتُدُکس نیز با تصاویر مختلفی از مسیح و رسولانش مزین شده اند. همچنین در ضمن پرستش و دعا در داخل این کلیسا ها مراسمی خاص برگزار می شود که اِبادا در عهد جدید کتاب مقدس تجویز نشده اند و نافرمانی از فرمان دوم خدا محسوب می شوند؛ البته این کلیسا ها پرستش مجسمه ها و تصاویر را انکار می کنند و مدعی اند که این آثار هنری صرفاً ابزاری هستند که پرستش مومنین را ملموس تر می کنند!

توجه کنید که علت اینکه یهودیان گوساله طلایی را ساختند این بود که به دنبال تجربه ای ملموس بودند که دقیقاً نقطه ضعف انسان هاست!

شیطان به خوبی و زیرکی تمام از این موضوع برای به دام انداختن طعمه هایش استفاده می کند؛ انسان های سقوط کرده در جستجوی «حقیقت» و شناخت «حقیقت» نیستند و علاقه ای هم به آن ندارند بلکه به دنبال تجربه های عجیب ولی ملموس اند که آنها را به هیجان بیاورد و هر چند گذرا آنها را از قید زندگی عادی و خسته کننده رها سازد.

برخی به دنبال تجربه ای به اصطلاح روحانی اند آنها مایلند حضور خدا را مانند عبور جریان خفیف الکتریسیته در بدنشان احساس کنند یا مایلند معجزات و نشانه های شگفت انگیز ببینند و هزار و یک تجربه عجیب و غریب دیگر! بدین ترتیب خدا را نه مطابق حقیقت بلکه مطابق هیجان و به طریقی که خود آن را ابداع کرده اند پرستش می کنند و فرمان دوم خدا را زیر پا می نهند.

توجه کنید که ناطاعتی از فرمان دوم به محض سقوط انسان در باغ عدن سر و کله اش پیدا شد که در بررسی کتاب پیدایش فصل چهارم (کتاب مقدس برای تمام

فصول هفته ۵) می توانید آن را بعدا مطالعه کنید ولی اجازه دهید بسیار خلاصه آن را یادآوری کنم:

۱ آدم زن خود حوا را بشناخت و او باردار شده، قائن را زایید، و گفت: «به یاری خداوند مردی حاصل کردم!» ۲ و دیگر بار، برادر او هابیل را زایید. هابیل گله‌بان بود و قائن کشتگر زمین. ۳ پس از چندی، قائن هدیه‌ای از محصول زمین برای خداوند آورد. ۴ ولی هابیل از نخست‌زادگان گله خویش و از بهترین قسمت‌های آنها هدیه‌ای آورد. خداوند هابیل و هدیه او را منظور داشت، ۵ ولی قائن و هدیه‌اش را منظور نداشت. پس قائن بسیار خشمگین شد و دل‌ریش گشت. ۶ آنگاه خداوند به قائن گفت: «از چه سبب خشمگینی و چرا دل‌ریش گشته‌ای؟ ۷ اگر آنچه را که نیکوست انجام دهی، آیا پذیرفته نمی‌شوی؟ ولی اگر آنچه را که نیکوست انجام ندهی، بدان که گناه بر در به کمین نشسته و مشتاق توست، اما تو باید بر آن چیره شوی.»

۸ قائن به برادر خویش هابیل گفت: «بیا تا به صحرا برویم». و چون در صحرا بودند قائن بر برادرش هابیل برخاست و او را کشت. پیدایش ۴: ۱-۸

دقت کنید که در آیه ۷ خدا به قائن می گوید «اگر آنچه را که نیکوست انجام دهی آیا پذیرفته نمی شوی؟» منظور خدا از این جمله این است که پرستش خدا فقط در صورتی مورد پسند خدا است که مطابق با دستورالعمل خدا و نه ابداع ذهن مردود بشری باشد. بارها به این نکته اشاره کرده ام که فقط یک طریق برای نزدیک شدن به خدا و داشتن رابطه با او وجود دارد و آن هم کفاره مسیح است؛ اما از آدم و حوا تا پیش از ظهور مسیح در قرن اول میلادی، ایمانداران واقعی با قربانی حیوانی از گله خود که سمبل و نمادی از مصلوب شدن و مرگ مسیح بود با خدا رابطه داشتند یعنی حیوانی معصوم به جای انسان گناهکار قربانی میشد و به صورت نمادین جریمه گنااهش را بر دوش می کشید؛ همه پرستندگان واقعی خدا در عهد عتیق از این موضوع اطلاع داشتند و هابیل نیز که یک ایماندار واقعی بود دقیقا مطابق آنچه که نیکو بود عمل کرد. دقت کنید که هدف قائن لااقل در ظاهر یا به اکراه پرستش خدای واقعی بود زیرا در آن مقطع پرستش خدایان غیر و بت ها هنوز متداول نشده بود اما قائن به دلیل حسادتی که نسبت به هابیل داشت بجای اینکه از گله برادرش حیوانی را به خدا تقدیم کند و در عوض آن از محصولش به برادرش پرداخت کند با گستاخی مستقیما هدیه

ای از محصول زمین و دست رنج خودش که ابد خدا آن را تجویز نکرده بود به خدا تقدیم کرد و طبعاً خدا هدیه او را نپذیرفت.

قائن اولین کسی بود که در تاریخ بشری فرمان دوم را زیر پا نهاد و خدا را به طریقی که خودش ابداع کرده بود پرستش کرد در واقع قائن موسس اولین دین کاذب جهان است. وی بعد از شکستن فرمان دوم، فرمان ششم را نیز شکست و برادرش را به قتل رساند!

جالب اینجاست که محبت، رحمت و فیض بی نهایت خداوند که هابیل را از مرگ ابدی نجات داده بود انگار در یک قدمی قائن و بسیار در دسترس وی بود ولی شرارت و حسادتش او را تا به ابد از حیات و خوشبختی الهی محروم کرد. راه و روش قائن راه و روش همه ادیان کاذب دنیاست!

هر چند می توان به نمونه های متعددی از کتاب مقدس در این زمینه اشاره کرد فقط به یک مورد دیگر از کتاب لاویان که سومین کتاب از کتب پنجگانه تورات موسی است اشاره می کنم:

ناداب و ابیهو، پسران هارون، هر یک بخورسوزهای خود را برگرفته، در آنها آتش نهادند و بر آتش بخور گذاشتند. آنها آتشی غریب که خداوند بدیشان فرمان نداده بود، به حضور وی تقدیم کردند. ۲ پس آتش از حضور خداوند به در آمده، آنان را فرو بلعید و در حضور خداوند مردند. کتاب لاویان ۱۰: ۱ و ۲

ناداب و ابیهو دو فرزند هارون و اولین کاهنان قوم اسرائیل بودند که در خیمه ملاقات (مکانی که خدا با موسی ملاقات می کرد و شامل دو بخش قدس و قدس اَلْأَقْدَاس بود و پرده ای این دو را از هم جدا می کرد.) فرایضی را مطابق با دستورالعمل خدا برگزار می کردند. کاهنان فقط مجاز بودند وارد مکان قدس شوند و کاهن اعظم که در آن مقطع زمانی هارون برادر موسی بود فقط سالی یک مرتبه با در دست داشتن خون قربانی وارد مکان قدس اَلْأَقْدَاس می شد و مراسم کفاره گناهان قوم را برگزار می کرد. اما مطابق فرمان خدا هیچ اخگر آتشی بجز اخگر آتش مذبح که در محوطه بیرونی خیمه ملاقات قرار داشت نمی بایست به مکان قدس برده می شد ولی دو فرزند هارون در حین خدمت برای

سوزاندن بخور از اخگر آتشی استفاده کردند که از جایی غیر از مذبح برداشته بودند و بلافاصله حین ورود به مکان قدس، هر دو آنها مردند!
چه بسا مسیحیان بسیاری سال هاست که با آتش غریب خدا را پرستش می کنند!
شما چطور؟

اما در ادامه فرمان دوم چنین می خوانیم:

۵... زیرا من، یهوه خدای تو، خدایی غیورم که جزای تقصیرات پدران را به فرزندان و پشت سوّم و چهارم آنان که مرا نفرت کنند می‌رسانم. ۶ اما کسانی را که مرا دوست بدارند و فرمانهایم را حفظ کنند، تا هزار پشت محبت می‌کنم.
خروج ۲۰: ۶و۵

همانطور که ملاحظه می کنید یهوه، خدای غیوری است که هرگز ذره ای گناه را تحمل نخواهد کرد. کلمه «غیور» در اینجا معنی کلمه عبری (קַנַּן) را بسیار خوب منتقل می کند؛ این کلمه که به معنی غیرتمند یا رشک برنده است در فرهنگ ما ایرانی ها اغلب در مواقع ناموسی بکار می رود مثلا می گوئیم مرد باغیرتی که از زن و بچه اش یا وطنش دفاع می کند. عهد و رابطه خدا با قوم اسرائیل بسیار خاص و در کتاب مقدس عهد عتیق گاهی به رابطه بین زن و شوهر تشبیه شده است:

۵ زیرا که آفریننده تو شوهر توست،
او که نامش خداوند لشکرهاست؛
و قدوس اسرائیل ولی توست،
او که خدای تمامی جهان نام دارد. اشعیا نبی ۵۴: ۵

این بدین معنی است که خدا نسبت به «اسرائیل» غیور است دقت کنید که پسوند «ال» یا «ئیل» در کلمه اسرائیل به عبری به معنی «خدا» است و بنابراین خدا اجازه نخواهد داد که نامش که بر این قوم نهاده شده است به دلیل خیانت و زنای روحانی (پرستش خدایان دیگر) این قوم مخدوش گردد. به نظر می رسد که آیات ۵ و ۶ بیشتر مرتبط با قوم یهود است. اگر در کتاب مقدس عهد عتیق وضعیت روحانی این قوم را مرور کنید خواهید دید که بارها و بارها در طول هزاران سال و به طور چرخه ای این قوم مرتکب بت پرستی و پیروی از رسوم شیطانی اقوام دیگر شده اند و هر بار خدا آنها را برای این گناهان مجازات و داوری کرده است. این در حالی است که محبت خدا برای یهودیانی که با ایمان به کفار مسیح نجات یافته اند ابدی است. بنابراین عناصری در ده فرمان است که مختص قوم یهود است ولی به طور کلی می توان گفت که گناه برای همه انسان ها در سطوح مختلف تنبیه و داوری خدا را به همراه دارد که لعنت و مرگ نتیجه تلخ آن است. گناه در سطح ۱- فردی (جسمانی و روانی) ۲- روابط اجتماعی ۳- ملی ۴- بین الملل و جهانی ۵- فردی (روحی و ابدی) منجر به برانگیختن داوری و خشم الهی می شود که بیماری های گوناگون جسمی و روانی، مرگ فیزیکی، بلایای طبیعی، هرج و مرج، مشکلات اقتصادی و سیاسی، فقر و گرسنگی، قحطی و خشکسالی، جنگ و خشونت... و در نهایت مرگ ابدی در جهنم از نتایج تلخ آن است. بنابراین اثرات بسیار منفی پرستش خدایان کاذب و پیروی از ادیان و باورهای کاذب و همچنین پرستش خدای واقعی به روش نادرست برای نسل ها ادامه می یابد و طبعا برکات فیزیکی و روحانی خدا نیز به تدریج از این سرزمین ها و مردمانش برچیده می شوند.

اما در داوری نهایی هر کسی مسئول گناهان خویش است و باید به خدا پاسخگو باشد:

۲۰ هر که گناه کند، اوست که خواهد مرد. پسر متحمل بار تقصیر پدر نخواهد شد و نه پدر متحمل بار تقصیر پسر. پارسایی شخص پارسا به حساب خودش گذاشته خواهد شد و شرارت شخص شریر نیز به حساب خودش. کتاب حزقیال نبی ۱۸: ۲۰

آیا «تو» در سراسر زندگی ات از فرمان دوم اطاعت کرده ای؟

فرمان سوم:

۷ «نام یهوه خدایت را به ناشایستگی مبر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به ناشایستگی برد بی سزا نخواهد گذاشت. خروج ۲۰: ۷

تمامیت وجودی انسان از ضمیر و ذهن گرفته تا تک تک اعضای بدنش کاملاً در باتلاق گناه غوطه ورنده ولى در «زبان» انسان زهر ماریست که کشنده ترین زهرهای دنیا نیز با آن قابل مقایسه نیستند.

۴ همچنین سؤگانی کوچک می‌تواند کشتی بزرگی را که فقط بادهای نیرومند آن را به حرکت درمی‌آورد، به هر سمتی که ناخدا بخواهد هدایت کند. ۵ به همین سان، زبان نیز عضوی کوچک است، اما ادعاهای بزرگ دارد. جرقه‌ای کوچک می‌تواند جنگلی بزرگ را به آتش کشد. ۶ زبان نیز آتش است؛ دنیایی است از نادرستی در میان اعضای بدن ما که همه وجود انسان را آلوده می‌کند و دایره کائنات را به آتش می‌کشد - آتشی که جهنم آن را فروخته است! ۷ انسان همه گونه حیوان و پرنده و خزنده و جاندار دریایی را رام می‌کند و کرده است، ۸ اما هیچ انسانی قادر به رام کردن زبان نیست. زبان شرارتی است سرکش و پر از زهر کشنده! یعقوب ۴: ۳-۸

فرمان سوم جنبه منفی دارد و جنبه مثبت آن طبعاً این است که ما باید نام خدا را ستایش کنیم و با شکرگزاری و احترام نام او را بر افرازیم.

متأسفانه بسیاری این فرمان را هر روز می شکنند در حالی که از مجازات وحشتناک آن در جهنم بی خبرند. توجه به این مسئله بسیار حائز اهمیت است که نام خداوند معرف تمام ویژگی ها و صفات او است و هر گونه بی احترامی به نام خداوند بی احترامی به خود او است و برعکس هرگونه بی احترامی به ویژگی ها و صفات الهی بی احترامی به نام پر جلال اوست.

اما چگونه این فرمان را می شکنیم:

۱- وقتی که نام خدا را در مسائل روزمره، عادی و پیش پا افتاده که ربطی به امور روحانی، وزین، ابدی و نجات انسان ها ندارد بکار می بریم؛ برخی نیز طبق عادت نام خدا را همچون تکیه کلام در گفتار روزمره یا برای ابراز تعجب، افسوس یا خشم... بکار می برند؛ برخی مسیحیان نیز احتمالاً از روی نادانی یا طبق عادت کلمه «هاللوویه» را حتی در مکالمات و گفتگوهای روزمره بارها بکار می برند. این کلمه به عبری به معنی «خداوند را سپاس باد» است؛ دقت کنید که کلمه «یاه» در «هاللوویه» از کلمه «یهوه» می آید و اشاره به نام قدوس خداوند است و هرگونه استفاده ناصحیح و نابجا در واقع نافرمانی از حکم سوم است.

همچنین کسانی که اسیر عقاید خرافی اند و ادعا می کنند که مسیح را در رویا دیده اند یا پیام او را شنیده اند و تصورات باطل ذهنشان را به مسیح یا روح القدس نسبت می دهند نیز بدون شک فرمان سوم را می شکنند.

۲- ریاکاران مسیحی که صرفاً در ظاهر خدا را می پرستند ولی در باطن از او فرسنگ ها فاصله دارند و اعمالشان با گفتارشان متناقض است بدون شک هر روز این فرمان را زیر پا می نهند و نام عظیم و قدوس خدا را نزد دیگران بی حرمت می کنند زیرا مردم با دیدن رفتارشان تعالیم مسیحیت را نیز زیر سوال خواهند برد و به نام خداوند ناسزا خواهند گفت؛ مخصوصاً این افراد در کلیسا باعث لغزش ایمانداران دیگر می شوند. گاهی ریاکاران مذهبی مناصب روحانی (معلم، شبان، کشیش...) دارند ولی سرانجامشان آتش جهنم است.

۱۶ مدّعی خداشناسی اند، اما با کردارشان او را انکار می کنند. نفرت انگیزند و نافرمان، و نامناسب برای هر کار نیکو. تیتوس ۱: ۱۶

۱۹ «هر که به نام خداوند اقرار دارد، باید از شرارت کناره جوید.» دوم تیموتائوس ۲: ۱۹

۱۳ خداوندگار می‌گوید:

«این قوم به دهان خود به من نزدیک می‌آیند و به لبهای خویش مرا حرمت می‌نهند، اما دلشان از من دور است؛ اشعیا نبی ۲۹: ۱۳

۳- شما نام خدا را بی حرمت می‌کنید زمانی که ویژگی‌ها و صفات الهی مکتوب در کلام خدا را زیر سوال ببرید یا به آنها اعتقاد ندارید. مثلا کسی که عدالت یا نیکویی خدا را زیر سوال ببرد در واقع به نام او بی احترامی می‌کند. برخی با اشاره به وجود شرّ و بدی در جهان نیکویی خدا را زیر سوال می‌برند و با این استدلال وجود او را انکار می‌کنند یا مدعی‌اند که اگر خدایی نیز وجود داشته باشد خدای بدی است.

۴- شما نام خدا را بی حرمت می‌کنید زمانی که به نام مسیح دعا می‌کنید ولی قلبا ایمان ندارید که خدا به دعای شما جواب خواهد داد. این بی حرمتی به خدا و نام قدوس اوست. همچنین کسانی که به وعده‌های خدا در کتاب مقدس با شک و تردید می‌نگرند و یا به آنها ایمان ندارند در واقع خدا را دروغگو می‌شمارند که کفر به خداوند و نام مقدس اوست که سرچشمه حقیقت است.

۵- همه اعضای فرقه‌های منحرف که تعالیم شیطانی و غلطی را پیروی می‌کنند ولی خود را همچنان پیرو مسیح یا یهوه خدا می‌دانند نیز همزمان فرمان‌های اول تا سوم را شکسته‌اند. مانند فرقه‌های شیطانی و منحرف مؤرّمون‌ها و شاهدین یهوه که در سراسر جهان ده‌ها میلیون پیرو دارند و سرانجام آنان جهنم ابدی است.

۶- کسانی که به نام خدا سوگند دروغ یاد می کنند.

۱۲ به نام من سوگند دروغ مخورید و بدین‌گونه نام خدای خود را بی‌حرمت مسازید: من یهوه هستم. لاویان ۱۹: ۱۲

اصولا ایمانداران واقعی به مسیح برای موارد شخصی در جهت اثبات راستگویی یا صداقتشان هرگز نباید قسم یاد کنند:

۳۳ «و باز شنیده‌اید که به پیشینیان گفته شده، ”سوگند دروغ مخور، بلکه به سوگندهای خود به خداوند وفا کن.“ ۳۴ اما من به شما می‌گویم، هرگز سوگند مخورید، نه به آسمان، زیرا که تخت پادشاهی خداست، ۳۵ و نه به زمین، چون کرسی زیر پای اوست، و نه به اورشلیم، زیرا که شهر آن پادشاه بزرگ است. ۳۶ و به سر خود نیز سوگند مخور، زیرا حتی مویی را سفید یا سیاه نمی‌توانی کرد. ۳۷ پس ’بله‘ شما همان ’بله‘ باشد و ’نه‘ شما ’نه‘، زیرا افزون بر این، شیطانی است. متی ۵: ۳۳

دقت کنید که آیات فوق در رابطه با مسائل شخصی و روزمره است و ادای سوگند رسمی در دادگاه یا موارد مشابه برای ایمانداران به مسیح گناه نیست.

۷- کسانی که نذر می کنند که امری را انجام دهند زیرا خداوند آنها را در مقطعی از زندگی از تنگی نجات داده و به دعا و استغاثه آنان پاسخ داده است ولی بعداً به آن عمل نمی کنند. اگر به خدا قولی داده اید باید آن را انجام دهید. کسانی که عهد و وعده خود را به خداوند می شکنند در واقع او را تحقیر می کنند. حتی در روابط دوستانه شکستن وعده ها و عهدها توهین و بی احترامی به طرف مقابل محسوب می شود و بسیار ناپسندیده است.

۱۳ با قربانیهای تمام‌سوز به خانه‌ات در خواهم آمد
و نذرهایم را به تو ادا خواهم کرد،
۱۴ که لبهای خویش را بدانها گشودم

و در زمان تنگی بر زبانشان آوردم. مزمور ۶۶: ۱۳ و ۱۴

۱۴ اندرهای خود را به خداوند ادا خواهم کرد،
در حضور تمامی قومش. مزمور ۱۱۶: ۱۴

۸- کسانی که در عصر حاضر برای منافع مالی یا کسب شهرت و محبوبیت، به نام مسیح نبوت می کنند و مدعی مکاشفات الهی جدیدند یا عقاید انسانی خود را با ذکر آیاتی از کتاب مقدس به عنوان حقایق الهی به خورد دیگران می دهند و یا ادعا می کنند که به نام مسیح معجزات به عمل می آورند و بیماران را شفا می دهند بدون شک فرمان سوم را شکسته اند. همانگونه که بارها به آن اشاره کرده ام عطایای خاص روح القدس نظیر معجزات، شفا دادن و یا نبوت فقط و فقط متعلق به رسولان مسیح و شاگردانش در قرن اول میلادی و پیش از تکمیل کتب عهد جدید بود و این عطایا به مرور زمان و پیش از پایان قرن اول میلادی فروکش کردند.

دقت کنید که خدا همیشه و بدون استثنا به دعاهای ایمانداران واقعی جواب می دهد و به طرق شگفت انگیزی در زندگی آنان کار می کند مطلبی که در بالا به آن اشاره کردم صرفاً در مورد عطایای خاص روح القدس است که برخی مدعی اند از آنها بهره مندند.

۲۱ نه هر که مرا ،خداوند، خداوند، گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد.

۲۲ بسا در آن روز مرا خواهند گفت، خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر ساختیم؟

۲۳ آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که، هرگز شما را نشناختم! ای بدکاران از من دور شوید! متی ۷: ۲۱-۲۳

۹- شدیدترین مورد نافرمانی از فرمان سوم زمانی است که دشمنان مسیح و ملحدان بدون پروا و مستقیماً به نام قدوس و پر جلال خدا و مسیح خداوند ناسزا و کفر می گوید. گاهی در فیلم های مبتذل و شیطانی هالیوود یا فیلم های دیگر بازیگران با دادن فحش ها و دشنام های رکیک، نام مسیح یا خدا را نیز به زبان می آورد که بدون شک مجازاتش آتش ابدی جهنم است. همه دست اندرکارانی که در تهیه چنین فیلم هایی نقش دارند از کارگردان، نویسندگان و بازیگران گرفته تا تولیدکنندگان نیز مجازات ابدی جهنم در انتظارشان خواهد بود.

حول و حوش ۷۰۰ قبل از میلاد، سنحاریب پادشاه امپراتوری آشور با لشکری عظیم به سوی منطقه یهودیه که حزقیا پادشاه بر آن فرمانروایی می کرد پیشروی کرد

و نماینده خود ربشاقی را با پیامی به نزد حزقیا پادشاه یهود فرستاد مبنی بر اینکه قوم یهود و حزقیا پادشاه بدون مقاومت تسلیم پادشاه آشور شوند؛ در آن پیام تحقیرآمیز سنحاریب پادشاه حتی به یهوه خدا نیز توهین کرد:

۴نماینده پادشاه آشور بدیشان گفت: ... ۱۸ مبادا حزقیا شما را فریفته، بگوید: 'یهوه ما را خواهد رهانید.' آیا تا کنون هیچیک از خدایان قومهای جهان توانسته است سرزمین خود را از چنگ پادشاه آشور برهاند؟ ... کدامیک تا به حال توانسته است سرزمین خویش را از دست من برهاند که حال یهوه بخواد اورشلیم را از چنگ من نجات بخشد؟" اشعیا نبی ۳۶: ۴-۲۰

۱ حزقیای پادشاه چون این سخنان را شنید، جامه بر تن درید و پلاس در بر کرده، به خانه خداوند درآمد. کتاب اشعیا نبی ۳۷: ۱

۵مقامات حزقیای پادشاه نزد اشعیا رسیدند، ۶ و او بدیشان گفت: «به سرورتان چنین بگویید: "خداوند می فرماید: از آنچه شنیده‌ای، یعنی از سخنان کفرآمیز خادمان پادشاه آشور درباره من، مه‌راس...

۳۶ پس فرشته خداوند بیرون آمد و صد و هشتاد و پنج هزار تن از سربازان اردوگاه آشور را کشت، چنانکه بامدادان چون قوم برخاستند، جز اجساد مردگان ندیدند! ۳۷ پس سنحاریب، پادشاه آشور، اردوی خود برچید و عقب نشست. او به خانه بازگشت و در نینوا ساکن شد.

۳۸ روزی چون او در معبد خدای خود، نِسروک، در حال پرستش بود، پسرانش اَدْرَمَلِک و شَرَاصِر او را به ضرب شمشیر کشتند و به سرزمین آرات گریختند. پس از او پسرش اِسْرَحَدُون به جای وی پادشاه شد. کتاب اشعیا نبی ۳۷: ۵-۳۸

برخلاف فرمان های دیگر، این فرمان با تهدیدی جدی همراه است!

۷ «نام یهوه خدایت را به ناشایستگی میر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به ناشایستگی برد بی سزا نخواهد گذاشت. خروج ۲۰: ۷»

۳۱ آری، افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است. عبرانیان ۱۰: ۳۱

همانطور که قبلا اشاره کردیم هر فرمان منفی شامل فرمان های مثبت است؛ فرمان سوم نیز شامل فرمان های مثبتی نظیر: «خدا را با تمام وجود محبت کن.»، «نام خداوند را برافراز.»، «خدا را در هر وقت متبارک بخوان.»، «در هر امری شاکر باش.»، «اعمال و شگفتی های خدا را بیان کن.»، «حقایق خدا را اعلام کن.»، «به خدا توکل کن.» ... است.

۷ عیسی پاسخ داد: «خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما.» ۳۸ این نخستین و بزرگترین حکم است. متی ۲۲: ۷

۶ هر چه جان دارد خداوند را بستاید!
هللویاه! مزمور ۱۵۰: ۶

۳ خداوند را با من تجلیل کنید،
نام او را با یکدیگر برافرازیم. مزمور ۳۴: ۳

۵ من در شوکت پر جلال کبریایی تو تأمل خواهم کرد،
و در کارهای شگفت‌انگیز تو.
۶ آنان از قدرت اعمال مهیب تو سخن خواهند گفت،
و من عظمت تو را بیان خواهم کرد.
۷ آنان آوازه نیکویی بی‌حد تو را منتشر خواهند کرد،
و در وصف عدالت تو شادمانه خواهند سراپید. مزمور ۱۴۵: ۵-۷

۲ او را به سبب کارهای مقتدرانه‌اش بستایید!
او را فراخور عظمت بسیارش بستایید! مزمور ۱۵۰: ۲

۱۶ پس بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا کارهای نیکتان را ببینند و پدر شما را
که در آسمان است، بستایند. متی ۵: ۱۶

۱ ا خداوند، راه خود را به من بیاموز،
تا در حقیقت تو گام بردارم.
دل مرا واحد گردان
تا از نام تو ترسان باشم. مزمور ۸۶: ۱۱

آیا «تو» از فرمان سوم در سراسر زندگی ات اطاعت کرده ای؟

فرمان چهارم

۸ «روز شَبَّات را به یاد داشته باش و آن را مقدس شمار. ۹ شش روز کار کن و همه کارهایت را انجام بده، ۱۰ اما روز هفتم، شَبَّاتِ یهوه خدای توست. در آن هیچ کار مکن، نه تو، نه پسر یا دخترت، نه غلام یا کنیزت، نه چارپایانت، و نه غریبی که درون دروازه‌های توست. ۱۱ زیرا خداوند در شش روز آسمان و زمین و دریا را با هرآنچه در آنهاست بساخت، اما روز هفتم فراغت یافت. از همین رو، خداوند روز شَبَّات را برکت داده، آن را تقدیس فرمود.
خروج ۲۰: ۸-۱۱

در فرمان چهارم معانی عمیق روحانی گنجانده شده است که آنها را مختصراً بررسی خواهیم کرد. نکته چشمگیر در این فرمان این است که در آن خداوند شَبَّات را به آفرینش آسمان و زمین مرتبط می‌سازد:

۱۱ زیرا خداوند در شش روز آسمان و زمین و دریا را با هرآنچه در آنهاست بساخت، اما روز هفتم فراغت یافت. از همین رو، خداوند روز شَبَّات را برکت داده، آن را تقدیس فرمود. خروج ۲۰: ۱۱

۱ بدین‌سان، آسمانها و زمین و همه لشکر آنها تمام شد. ۲ و خدا در روز هفتم، کار خویش را به پایان رسانید؛ پس او در هفتمین روز، از همه کار خویش بیاسود. ۳ و خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را مقدس شمرد، چراکه در آن روز از همه کار خویش که خدا آفریده و ساخته بود، بیاسود. پیدایش ۲: ۱-۳

خدا با آفرینش آسمان و زمین در هفت روز الگویی را برای چرخه کار و استراحت انسان ها بر روی کره زمین تثبیت کرد که تمدن بشری بر اساس آن الگو بنا نهاده شده است. انسان ها به هیچ طریقی به چنین الگویی نمی رسیدند اگر خدا آن را از طریق نحوه آفرینش آشکار نمی کرد. انسان ها با نگاه کردن به طلوع و غروب خورشید، وضعیت فصل ها و وضعیت ماه و چرخش زمین به دور خورشید می توانند به مفاهیم روز، ماه یا سال پی ببرند ولی هیچ چیزی در طبیعت وجود ندارد که به انسان ها مفهوم هفته را بیاموزد!

از سوی دیگر خدا با این الگو به انسان ها مفهوم کار کردن را که یک اصل اخلاقی الهی است می آموزد. خدا کار می کند و بنابراین ما انسان ها نیز باید کار کنیم زیرا به صورت خدا آفریده شده ایم. کار کردن صرفا برای دنیای سقوط کرده نیست بلکه حتی قبل از سقوط انسان، خدا آدم را در باغ عدن قرار داد و او می بایست از آن نگهداری نماید:

۵ ایهوه خدا آدم را برگرفت و او را در باغ عدن نهاد تا کار آن را بکند و از آن نگاهداری نماید. پیدایش ۲: ۱۵

اما برخلاف باغ عدن، کار کردن در دنیای سقوط کرده با مشقت، خستگی و عرق جبین همراه شده است و هر چند که انسان ها با کوشش و تلاش، اختراع و اکتشاف، خلاقیت و هنر، طراحی و بنا کردن... تا حدی به رضایتمندی میرسند ولی همچنان به دلیل خستگی، راندمان کم، تکرار، عدم موفقیت، کشمکش، هرج

و مرج ... در چرخه ای از پوچی و سردرگمی غرق شده اند و در نهایت گویی
دنبال باد می دوند!

بنابراین توفقی کوتاه و یک روزه برای استراحت و آسایش، ضروری و فرح
بخش است. در شب‌ات، انسان علاوه بر استراحت فیزیکی باید به دو چیز
بیندیشد:

۱- آفرینش شگفت انگیز خدا: باید با تفکر و مشاهده اعمال عظیم و حیرت آور
خداوند در جهان هستی او را بپرسند و سپاس گوید ۲- تفکر درباره استراحت و
آسایش واقعی از بار سنگین و مهلک گناه

توجه کنید که شنبه روزی بود که یهودیان می بایست استراحت می کردند و از
کار و تلاش باز می ایستادند ولی این فرمان همانطور که اشاره کردم بجز معنی
فیزیکی معنی عمیق روحانی نیز دارد که بدون شک ایمانداران واقعی عهد عتیق
نیز از آن مطلع بودند یعنی تلاش و تقلای انسانی به منظور انجام شریعت و
پیروی از امر و نهی آن هرگز استراحت و آسایش واقعی را به همراه نمی آورد
همانطور که استراحت یک روز در هفته، انسان ها را از قید فشار روانی و
جسمانی کار و بار سنگین آن در دنیای سقوط کرده کاملاً رها نکرده است. آیا
استراحتی واقعی برای انسان گناهکار که بیرون از باغ عدن و بدون خدا
سرگردان شده است وجود دارد؟ آیا شریعت و ده فرمانی که انسان را در هر
لحظه محکوم می کند می تواند به او آسایش دهد؟ راستی آسایش واقعی را کجا
می توان یافت؟

موسی مرد خدا این را به خوبی درک کرده بود:

۸ تقصیرهایمان را فرا رویت نهاده‌ای،
و گناهان پنهانمان را در پرتو حضورت.
۹ زیرا روزهایمان به تمامی در خشمت کاهیده می‌شود،
و سالهایمان را چون آهی به سر می‌رسانیم؛
۱۰ روزهای عمر ما هفتاد سال است

و اگر قوی باشیم، هشتاد سال.
 اما مایه فخری در آنها جز محنت و اندوه نیست؛
 زیرا به سرعت می‌گذرند و پرواز می‌کنیم.
 مزمور ۹۰: ۸-۱۰

پس استراحت شبّات نماد و سایه ای از استراحت و آسایش واقعی است که فقط
 زمانی تحقق می‌یابد که از قید بار سنگین گناه، محکومیت شریعت و مجازات
 مرگ ابدی رهایی یابیم؛ انسان سرگردان و آواره در دره سقوط و مرگ زمانی
 به آسایش می‌رسد که مجدداً به باغ عدن وارد شود و خدا را در آنجا ملاقات
 کند! اما چگونه؟

۱۰ زیرا هر کس که به آسایش خدا داخل می‌شود، او نیز از کارهای خود
 آسودگی می‌یابد، همان‌گونه که خدا از کارهای خود برآسود. ۱ پس بیایید به‌جَد
 بکوشیم تا به آن آسایش راه یابیم، مبادا کسی از نافرمانی آنان سرمشق گیرد و
 درلغزد. عبرانیان ۴: ۱۱ و ۱۰

اگر خوب توجه کرده باشید هر فرمانی را که بررسی می‌کنیم مانند صخره ای که
 میلیاردها تن وزن دارد بر سر ما می‌افتد و ما را با خاک یکسان می‌سازد!
 اگر کل این بررسی را مطالعه کنید خواهید دید که شریعت ما را در هر لحظه و
 در هر مکان و در هر موقعیتی از درون و بیرون محکوم می‌کند؛ هیچ راه
 گریزی از آن نیست و مرگ ابدی را برایمان به ارمغان می‌آورد که نتیجه
 گسسته شدن رابطه ما با خدایی است که قدوس مطلق و سرچشمه حیات است.
 برای کسانی که به شریعت چشم دوخته اند آرامی شبّات وجود ندارد!

اگر فکر می کنید که خدا ده فرمان را به قوم اسرائیل و به طور غیر مستقیم به همه مردم دنیا داد تا با اطاعت از آن رستگار شوند و سعادت ابدی را کسب کنند کاملاً اشتباه می کنید؛ ده فرمان مانند آینه ای است که با نگرستن به آن به گناهکار بودن خود پی می بریم:

۱۹ اکنون آگاهییم که آنچه شریعت می گوید خطاب به کسانی است که زیر شریعتند تا هر دهانی بسته شود و دنیا به تمامی در پیشگاه خدا محکوم شناخته شود. ۲۰ زیرا هیچ بشری با به جا آوردن اعمال شریعت، در نظر خدا پارسا شمرده نمی شود، بلکه شریعت گناه را به ما می شناساند. رومیان ۳: ۱۹ و ۲۰

پس چگونه از این منجلا ب گناه و مرگ نجات یابیم؟ خدا را شکر که به واسطه فیض و محبت بی نهایتش راهی شگفت انگیز برای رهایی انسان ها از مرگ ابدی فراهم کرده است؛ اجازه دهید مجدداً به متن کتاب خروج فصل بیستم برگردیم و از آیه ۲۲ آن را دنبال کنیم:

۲۲ آنگاه خداوند به موسی گفت: «بنی اسرائیل را چنین بگو: "شما خود دیدید که از آسمان با شما سخن گفتم. ۲۳ خدایان نقره در کنار من مسازید؛ خدایان طلا برای خود مسازید. ۲۴ مذبحی از خاک برایم بساز و بر آن قربانیهای تمامسوز و قربانیهای رفاقت از گله و رمه خویش تقدیم کن. هر جا که گرامیداشت نام خویش را سبب گردم، نزد تو خواهم آمد و تو را برکت خواهم داد. خروج ۲۰: ۲۲ و ۲۳

خدا بلافاصله بعد از ده فرمان، در مورد مذبح و قربانی صحبت می کند که سمبل کفاره عیسی مسیح خداوند در عهد عتیق پیش از ظهور وی در قرن اول میلادی بود؛ هیچ راهی برای آشتی و صلح با خدا جز از طریق قربانی وجود ندارد؛ یعنی حیوانی معصوم به جای انسان گناهکار می میرد و جریمه گناه وی را متحمل می شود زیرا حکم گناه مرگ است! ولی آیا خون بزها و گوسفندان

قادرند گناهان انسان ها را کفاره کنند؟ صد البته جواب این سوال منفی است. قربانی حیوانی در عهد عتیق صرفاً سمبل و سایه ای از کفاره ابدی و واقعی مسیح خداوند بود که می بایست در آینده ای دور اتفاق بیفتد که در آن یهوه خدای قادر مطلق می بایست در لباس انسانی ظاهر شود و با مرگش بر روی صلیب کفاره گناهان را فراهم سازد و کار شیطان و فرشتگان شریر را باطل کند. این همان طریق شگفت انگیزی است که آرامی واقعی و سعادت ابدی را برای انسان ها به ارمغان آورد؛ وظیفه من و شما فقط ایمان به مسیح خداوند و کفاره ای است که او برای ما فراهم کرده است. در این فرایند عدالت کامل و مطلق مسیح به حساب ما گذاشته می شود و همچون ردایی ما را می پوشاند و در عوض جریمه گناهان ما را مسیح با مرگش بر صلیب بر دوش می کشد؛ با ایمان به مسیح و کفاره او ما از مرگ ابدی نجات می یابیم؛ رابطه مان با خدا مجدداً برقرار می شود؛ در مسیح با خدا مجدداً آشتی و صلح می کنیم و حیات و خوشبختی خدا را تا ابد تجربه خواهیم کرد و نهایتاً به آرامی ابدی او داخل خواهیم شد. این شبّات واقعی است؛

به عبارتی شبّات واقعی شخص عیسی مسیح خداوند است!

۲۸ «بیاید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، که من به شما آسایش خواهم بخشید. ۲۹ یوغ مرا بر دوش گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا حلیم و افتاده دل هستم، و در جانهای خویش آسایش خواهید یافت. ۳۰ چرا که یوغ من راحت است و بار من سبک.» متی ۱۱: ۲۸-۳۰

۱ پس اکنون برای آنان که در مسیح عیسی هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست،
 ۲ زیرا در مسیح عیسی، قانون روح حیات مرا از قانون گناه و مرگ آزاد کرد؛
 ۳ چون آنچه شریعت قادر به انجامش نبود، از آن رو که به سبب انسان نفسانی ناتوان بود، خدا به انجام رسانید. او پسر خود را به شباهت انسان گناهکار فرستاد تا 'قربانی گناه' باشد، و بدین سان در پیکری بشری، حکم محکومیت

گناه را اجرا کرد ۴ تا آنچه شریعت مطالبه می‌کند، در ما تحقق یابد، در ما که نه بر طبق نفس بلکه بر طبق روح رفتار می‌کنیم. رومیان ۸: ۱-۴

مسیح در روز یکشنبه با قیام و رستاخیز خود از مردگان مرگ را نیز در هم شکست و ثابت کرد که فقط و فقط او قادر است به انسان‌های محکوم به مرگ ابدی که زیر بار سنگین گناه اسیر شده اند رستگاری و آسایش بخشد و به همین دلیل روز شبات بعد از رستاخیز مسیح خداوند از مردگان از روز «شنبه آفرینش» به روز «یکشنبه رستگاری» تغییر کرد زیرا امر رستگاری انسان از امر آفرینش مهم تر و برتر است و مقدم بر آن است:

۳ متبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، که ما را در مسیح به هر برکت روحانی در جایهای آسمانی مبارک ساخته است. ۴ زیرا پیش از آفرینش جهان، ما را در وی برگزید تا در حضورش مقدس و بی‌عیب باشیم. افسسیان ۱: ۳

به زبان انسانی آفرینش کار انگشتان خداوند است ولی رستگاری و نجات انسان ها کار بازوی اوست!

۳ چون به آسمانهای تو بنگرم،
که صنعت انگشتان توست،
و به ماه و ستارگان
که تو بر قرار داشته‌ای... مزمور ۸: ۳

۱۵ به بازوی خود قوم خویش را رهانیدی، مزمور ۷۷: ۱۵

دقت کنید که خدا در فرمان چهارم تاکید میکند که روز شبات را تقدیس کرده است:

۱۱... از همین رو، خداوند روز شَبَّات را برکت داده، آن را تقدیس فرمود.
خروج ۲۰: ۱۱

اینکه خدا روز شَبَّات را تقدیس نمود بدین معناست که بین شَبَّات و روزهای دیگر هفته تمایز قائل شد؛ آن را از روزهای دیگر جدا کرد و به آن معنایی دیگر بخشید؛ زیرا یهودیان می بایست آن روز را به پرستش و شکرگزاری خدا اختصاص می دادند و با تفکر به آنچه که در مطالب بالا به آن اشاره کردم به او نزدیک می شدند.

همچنین دقت کنید که در آیه ۱۱ نه تنها خدا روز شَبَّات را تقدیس نمود بلکه آن را برکت نیز داد یعنی کسانی که فرمان الهی را پیروی کنند مبارک خواهند بود. روز استراحت و پرستش خداوند روز فرح بخش و مبارکی است و در حفظ آن برکت عظیمی نصیب ما می شود:

۱۳ «اگر شَبَّات را زیر پا نهدی
و در روز مقدس من خشنودی خود را به جا نیاوری،
اگر شَبَّات را مایه خوشی بشماری
و روز مقدس خداوند را محترم بخوانی،
اگر آن را حرمت نهدی
و به راههای خود رفتار نکنی،
اگر لذت خود را نجویی
و سخنان بیهوده بر زبان نرانی،
۱۴ آنگاه لذت تو در خداوند خواهد بود؛
تو را بر بلندیهای زمین سوار خواهم کرد،
و میراث پدرت یعقوب را به تو خواهم خوراند؛»
زیرا که دهان خداوند تکلم کرده است.
اشعیا ۵۸: ۱۳ و ۱۴

اما ما چگونه این فرمان را می شکنیم:

۱- دقت کنید فرمان چهارم حکم می کند که باید شش روز کار و تلاش کنیم. کسانی که تنبل و بیکاره هستند فرمان چهارم را زیر پا می نهند. تنبلی گناه بسیار بزرگی است و نتایج بسیار مخربی در زندگی انسان ها به بار می آورد. تنبلی و بیکارگی ریشه بسیاری از نابسامانی ها است؛ کاهلی گناهی است که در بسیاری از موارد چندان آشکار نیست و بسیار زیرکانه در تار و پود انسان خود را پنهان می کند. تنبلی از تن پروری و خودخواهی نشات می گیرد و به آسیب های فردی و اجتماعی بسیاری نظیر اختلافات خانوادگی، فقر، دزدی، مصرف مواد مخدر و الکل، تنفر، خشم، خشونت و قتل... می انجامد و در نهایت انسان تنبل را به کام مرگ ابدی فرو می برد. تنبلی و بیکارگی گناهی شیطانی است که دقیقاً برخلاف ذات خداست.

۸ اگر کسی در پی تأمین معاش خویشان و بخصوص خانواده خود نباشد، منکر ایمان است و پست‌تر از بی‌ایمان. اول تیموتائوس ۵: ۸

۴ دستان کاهل، فقیر می‌سازد،
دستان کاری، دولت‌مند.

۵ عاقل است پسری که در تابستان گرد می‌آورد،
اما پسری که در فصل درو می‌خواهد، شرمسار می‌سازد. امثال ۱۰: ۴ و ۵

۶ کاهلاً! نزد مورچه برو،
و به راههایش بیندیش و حکمت بیاموز!
۷ که او را نه فرمانده‌ای است
و نه صاحب منصب و حاکمی؛
۸ با این همه، توشه خود در تابستان فراهم می‌کند
و آذوقه خویش در موسم حصاد گرد می‌آورد. امثال ۶: ۶-۸

۲- زمانی که از استعدادها و توانایی های خدادادی و امکاناتی که در اختیار داریم به بهترین نحو و مخصوصا در جهت ارتقای نیکویی استفاده نمی کنیم و وقت و انرژی خود را هدر می دهیم فرمان الهی را زیر پا می نهیم. ما باید کاری را که به ما محول شده است با جان و دل و با خردمندی به کمال برسانیم در غیر این صورت فرمان چهارم را شکسته ایم.

دقت کنید که ما به صورت خدا آفریده شده ایم؛ خدایی که سرچشمه زیبایی، خلاقیت، حکمت و نظم ... است در شش روز، جهانی بدین شگفتی آفریده است و انتظار دارد که فرزندانیش نیز در هر شغل و پیشه ای شبیه او باشند. سخت کوشی، پشتکار، خلاقیت، نظم، وفاداری، صداقت، وقت شناسی از ارزش های والایی هستند که باید در کار و کوشش روزانه ما را همراهی کنند. هر گونه کوتاهی، کار شکنی، سهل انگاری، شلختگی و تاخیر در انجام کاری شکستن فرمان چهارم و همچنین فرامین دیگر الهی است.

۲۳ هر کاری را از جان و دل چنان انجام دهید که گویی برای خداوند کار می کنید، نه برای انسان، کولسیان ۳: ۲۳

۲۴ آنگاه خادمی که یک قنطار گرفته بود، نزدیک آمد و گفت: "چون می دانستم مردی تندخو هستی، از جایی که نکاشته ای می دروی و از جایی که نپاشیده ای جمع می کنی، ۲۵ پس ترسیدم و پول تو را در زمین پنهان کردم. این هم پول تو!" ۲۶ اما سرورش پاسخ داد: "ای خادم بدکاره و تنبل! تو که می دانستی از جایی که نکاشته ام، می دروم و از جایی که نپاشیده ام، جمع می کنم، ۲۷ پس چرا پول مرا به صرافان ندادی تا چون از سفر بازگردم آن را با سود پس گیرم؟ ۲۸ آن قنطار را از او بگیرد و به آن که ده قنطار دارد بدهد. ۲۹ زیرا به هر که دارد، بیشتر داده خواهد شد تا به فراوانی داشته باشد؛ اما آن که ندارد، همان که دارد نیز از او گرفته خواهد شد. ۳۰ این خادم بی فایده را به تاریکی بیرون افکنید، جایی که گریه و دندان بر هم ساییدن خواهد بود." متی ۲۵: ۲۴-۳۰

۳- ما فرمان چهارم را می شکنیم زمانی که روز پرستش و استراحت شبات را نادیده می گیریم و بجای آن کار می کنیم. (کسانی که به دلیل ضرورت و موقعیت

کاری خاص مجبور به انجام وظیفه هستند مثلا پرستار یا پزشک اورژانس یا سربازی که در پست نگرهبانی است طبعا از این امر مستثنی خواهند بود.) برخی هفت روز هفته را نیز به دلیل اعتیاد کاری یا کسب منفعت بیشتر کار می کنند که صد البته نافرمانی از حکم چهارم است. در بسیاری از کشورها در روز یکشنبه مردم بجای اختصاص دادن وقت خود به خداوند و پرستش و شکرگزاری و مطالعه کتاب مقدس مشغول تماشای ورزش ها و سرگرمی های مورد علاقه شان هستند که این نیز شکستن فرمان چهارم محسوب می شود. متأسفانه کشورهای غربی که در یکی دو قرن اخیر رسماً سکولاریزم و دشمنی با خدای واقعی را پیشه خود و سیاست هایشان کرده اند و شهروندانشان به عقاید آتئیستی یا پرستش خدایان غیر واقعی روی آورده اند روز به روز با بحران های جدیدی مواجه هستند و دیکتاتوری، فقر، اقتصاد ورشکسته، وضعیت بحرانی سلامت جسمی و روانی، گسترش جرم و جنایت و ده ها بحران دیگر جایگزین برکات الهی شده است.

زمانی که در روز شبات به جای پرستش و شکرگزاری خداوند و اندیشیدن به شگفتی های خلقت و طریق نجات و حیات ابدی که خداوند فراهم کرده است وقت خود را صرف سرگرمی ها یا امور دیگر می کنیم بجز اینکه فرمان چهارم را می شکنیم فرمان هشتم (دزدی مکن.) را نیز می شکنیم زیرا از وقتی که متعلق به خدا است و آن را تقدیس کرده است می دزدیم؛ لازم به توضیح نیست که نافرمانی از فرمان چهارم در واقع نافرمانی از فرمان اول است.

۴- کسانی که بطور مستقیم این فرمان را نمی شکنند ولی وضعیتی را بوجود می آورند که دیگران حکم چهارم را اطاعت نکنند خود نیز محکوم به شکستن این فرمانند. مثلا کارفرمایی که خودش روز شبات را نگاه میدارد ولی در همان روز به شخص دیگری وظیفه ای را محول می کند تا انجام دهد مرتکب گناه شده است حتی اگر شخص دیگر مایل به انجام آن کار باشد.

لازم به تذکر است در کشورهای که روز یکشنبه تعطیل نیست و مسیحیان مجبورند سر کار حاضر شوند می توانند بعد از ظهر یکشنبه یا روز جمعه را برای پرستش و شکرگزاری خداوند اختصاص می دهند.

آیا «تو» از فرمان چهارم در سراسر زندگی ات اطاعت کرده ای؟

فرمان پنجم

۱۲ «پدر و مادر خود را گرامی دار تا در سرزمینی که یهوه خدایت به تو می‌بخشد، روزهایت دراز شود.
خروج ۲۰: ۱۲

توجه کنید که به لوح دوم ده فرمان رسیدیم ؛ لوح اول (چهار فرمان اول) رابطه درست و عمودی ما با خدا و لوح دوم (فرمان پنجم تا دهم) رابطه درست و افقی ما با انسان های دیگر را نشان می دهد.

قبل از اینکه فرمان پنجم را بررسی کنم ضروری است که براین اصل بسیار مهم و بدیهی مجددا تاکید کنم که بالاترین وظیفه هر انسانی و اولویت اول زندگی اش اطاعت کامل از خداوند است.

قبلا اشاره کردم که اگر کسی یکی از فرمان های لوح دوم را بشکند بدون شک فرمان های لوح اول را نیز شکسته است و بالعکس!

۱۹ ما محبت می‌کنیم زیرا او نخست ما را محبت کرد. ۲۰ اگر کسی ادعا کند که خدا را محبت می‌نماید اما از برادر خود نفرت داشته باشد، دروغ‌گوست. زیرا کسی که برادر خود را، که می‌بیند، محبت نکند، نمی‌تواند خدایی را که ندیده است، محبت نماید. ۲۱ و ما این حکم را از او یافته‌ایم که هر که خدا را محبت می‌کند، باید برادر خود را نیز محبت کند. اول یوحنا ۴: ۱۹-۲۱

بنابراین این فرامین چنان در هم تنیده شده اند که نافرمانی از یکی به نافرمانی از همه منجر می شود. کسی که به پدر و مادر خود محبت نرزد چگونه می تواند به خدا یا انسان های دیگر محبت کند. در ابتدای بحث اشاره کردم که همه فرمان های الهی بسیار وسیع و عمیق هستند و فرمان پنجم نیز از این قاعده مستثنی نیست:

۹۶ برای هر کمالی حدی می بینم،
اما فرمان تو بی نهایت وسیع است! مزمور ۱۱۹ : ۹۶

زیربنای هر خانواده موفق بر این فرمان نهاده شده است. خانواده های موفق، جوامع موفق را بوجود می آورند. محبت، احترام و اطاعت بنیاد، سقف و دیوارهای یک خانواده را تشکیل می دهند و بدون آنها خانواده از هم می پاشد یا تبدیل به رینگ بوکس می شود. بچه ها باید بیاموزند که پدر و مادر خود را گرامی بدارند؛ اما این به چه معنایی است؟

۱- فرزندان باید «بیاموزند» در عین صمیمیت، با کمال احترام و وقار با پدر و مادر خود سخن بگویند و هرگونه ناسزا، دشنام و کلمات رکیک در گفتار شکستن فرمان پنجم است. فرزندان همچنین باید با احترام تمام درباره پدر و مادر خود با دیگران سخن بگویند و از بدگویی و غیبت اجتناب کنند.

۲- فرزندان باید بیاموزند از پدر و مادر خود در هر امری اطاعت کنند:

۱۱ فرزندان، از والدین خود در خداوند اطاعت کنید، زیرا کار درست این است.
۲ «پدر و مادر خود را گرامی دار»، که این نخستین حکم با وعده است: ۳ «تا سعادت مند باشی و بر زمین عمر طولانی کنی.» افسسیان ۶ : ۱ و ۲

۲۰ ای فرزندان، والدین خود را در هر امری اطاعت کنید، زیرا این خداوند را خشنود می سازد. کولسیان ۳ : ۲۰

همانطور که در ابتدا اشاره کردم اگر پدر یا مادر از فرزندشان انتظار انجام کاری را دارند که بر خلاف کلام و اراده خداست بدون شک کلام خدا در اولویت خواهد بود زیرا وظیفه هر فردی در وهله اول اطاعت از خدا است. همچنین اگر پدر یا مادری انتظارات نامعقول و بیجا از فرزندان داشته باشند خود محکوم به شکستن فرمان پنجم اند زیرا به تدریج زمینه ای را بوجود می آورند که فرزندان از آنان اطاعت نکنند و به تدریج مایوس و سرخورده شوند.

۳- فرزندان باید بیاموزند با نیکویی کردن به پدر و مادر و کمک در همه امور خانه به آنان احترام بگذارند.

۴- فرزندان باید بیاموزند که از زحمات پدر و مادر قدردانی کنند و از آنان برای همه چیز سپاسگزار باشند. این مستلزم این است که پدر و مادر در وهله اول به خاطر برکات گوناگون از خداوند تشکر کنند و دوماً به یکدیگر احترام بگذارند و از زحمات طرف مقابل قدردانی کنند. فرزندان درس شکرگزاری از خداوند را نیز با قدردانی از والدین خود یاد می گیرند.

۵- همانطور که ملاحظه می کنید در همه موارد فوق تاکید کرده ام که فرزندان «باید بیاموزند» یعنی مسئولیت تربیت صحیح فرزندان به عهده پدر و مادر است و پدر و مادر باید مطابق اصول کتاب مقدس فرزندان را خداترس تربیت کنند. اگر والدین در این امر کوتاهی کنند در واقع فرمان پنجم را شکسته اند.

۶ و این سخنان که من امروز تو را امر می فرمایم، بر دل تو باشد. ۷ آنها را به دقت به فرزندان بیاموز، و حین نشستن در خانه و رفتن به راه، و هنگام خوابیدن و برخاستن، از آنها گفتگو کن. ۸ آنها را چون نشان بر دست خود ببند و چون علامت بر پیشانی بگذار. ۹ آنها را بر چارچوب در خانه خود و بر دروازه های خویش بنگار. تثییه ۶: ۷-۹

۶- دقت کنید که این فرمان همچنین به طور ضمنی پدر و مادر را امر می کند تا طوری رفتار کنند که شایسته احترام باشند! طبعاً این بدین معنی است که اولاً

آنان باید خدا ترس و مقدس باشند و دوما باید در نهایت محبت و با قربانی خویشتن (وقت، توان و ثروت) به بهترین وجه و در حد توان و امکاناتی که دارند از فرزندانشان مراقبت کنند و به آنان عشق بورزند. پدر الکی که به همسر و فرزندانش توهین می کند و آنان را مورد آزار فیزیکی یا روانی قرار می دهد مطلقا شایسته احترام و اطاعت نیست و از دید خدا همه فرمان های الهی را زیر پا نهاده است؛ فرزندانش نیز طبعاً فرمان پنجم را زیر پا خواهند نهاد و فرامین دیگر را نیز خواهند شکست.

بنابراین فرمان پنجم بار سنگینی بر دوش پدر و مادر نهاده است و آنان باید با جدیت تمام مطابق اصول کتاب مقدس فرزندانشان را تربیت کنند که در وهله اول مستلزم این است که خود این اصول را بیاموزند و مطالعه کنند. متأسفانه در قرنی زندگی می کنیم که بسیاری از والدین وظیفه تعلیم و تربیت فرزندانشان را به نظام آموزشی سپرده اند و یا به کل آن را رها کرده اند و حکومت های فاسد و رسانه های اجتماعی که کاملاً در کنترل شیطان هستند این نقش را برعهده گرفته اند که نتایج فاجعه بار آن قابل توصیف نیست؛ نسل جدید تقریباً در اکثر نقاط دنیا مخصوصاً در کشورهای سکولار غربی نسلی کاملاً خودخواه، خودپرست، بی عاطفه و نامطیع والدین هستند که در هر لحظه در حال شکستن فرمان پنجم و دیگر فرامین الهی اند!

۱ اما آگاه باش که در روزهای آخر، زمانهای سخت پیش خواهد آمد. ۲ مردمان خودپرست، پولدوست، لافزن، متکبر، ناسزاگو، نافرمان به والدین، ناسپاس، ناپاک، ۳ بی عاطفه، بی گذشت، غیبت گو، بی بندوبار، وحشی، دشمن نیکویی، ۴ خیانتکار، بی مبالا و خودپسند خواهند بود. لذت را بیش از خدا دوست خواهند داشت و هرچند صورت ظاهر دینداری را دارند، منکر قدرت آن خواهند بود. از چنین کسان دوری گزین. دوم تیموتائوس ۱: ۳-۵

توجه کنید که در تار و پود انسان از بدو تولد، شرارت و بدی تنیده شده است و یک پدر و مادر ایماندار با تعلیم و تربیت فرزندانشان مطابق اصول کتاب

مقدس باید بذر خدا ترسی را در وجود آنان بکارند که از سرکشی و طغیان نفس بکاهند و آنان را به توبه و ایمان به خداوند تشویق کنند.

۱۳ اَختَم کلام این است: از خدا بترس و فرامین او را نگاه دار، چراکه انسان بودن به تمامی همین است. ۴ زیرا خدا هر عمل و هر امر مخفی را، چه نیک و چه بد، به محاکمه خواهد آورد. جامعه ۱۲: ۱۳ و ۱۴

۱۴ ای پدران، فرزندان خود را خشمگین مسازید، بلکه آنها را با تعلیم و تربیت خداوند بزرگ کنید. افسسیان ۶: ۴

اگر پدر و مادر تلاش خود را در این راستا به خوبی انجام دهند ولی فرزندشان همچنان از فرمان های الهی اطاعت نکند مسئولیت نافرمانی تنها به عهده فرزند است و پدر و مادر در گناه فرزندشان سهیم نیستند.

۷- برخی تصور می کنند که این فرمان فقط برای بچه های خردسال یا نوجوان است و فرزندان بالغ را شامل نمی شود که کاملاً تصور غلطی است. این فرمان تا انتهای عمر یک فرزند نیز همچنان صادق است هر چند نحوه و طرز احترام به پدر و مادر شکل دیگری به خود میگیرد؛ طبعاً یک فرزند پنجاه ساله لازم نیست از مادر ۹۰ ساله اش همچون کودکی دو ساله اطاعت کند ولی باید به او محبت بورزد، احترام بگذارد و اگر لازم باشد باید از نظر عاطفی، فیزیکی و مالی نیز به او کمک کند. بنابراین این فرمان تا آخر عمر یک فرزند خانواده همچنان پایرجاست و شکستن آن به معنای شکستن کل فرامین الهی است. مسیح خداوند حتی بر روی صلیب در حالی که لحظات هولناکی را سپری می کرد به فکر مادرش بود:

۲۶ چون عیسی مادرش و آن شاگردی را که دوست می داشت در کنار او ایستاده دید، به مادر خود گفت: «بانو، اینک پسرت». ۲۷ سپس به آن شاگرد گفت: «اینک مادرت.» از آن ساعت، آن شاگرد، او را به خانه خود برد. یوحنا ۱۹: ۲۶ و ۲۷

۸- این فرمان به دلیل اختصار کلمات ده فرمان، فقط به یک جنبه کلی و بنیادی از روابط انسانی یعنی خانواده اشاره کرده است ولی دامنه آن مانند فرامین دیگر نامحدود است. این فرمان چارچوب روابط انسان ها با پدر آسمانی (خدا)، شهروندان با حاکمان، کارگران یا کارمندان با کارفرمایان، اعضای کلیسا با شبانان و مسئولین کلیسا... و در کل چارچوب رابطه پایین دست ها با بالا دست ها و بالعکس را تعیین می کند. مطابق فرمان پنجم، محبت، احترام، اطاعت و فروتنی، قدردانی، وفاداری و شایستگی بنیاد این روابط را تشکیل می دهد و هر گونه تخطی از آن شکستن فرمان پنجم محسوب می شود. مثلا شهروندی که از قوانین مملکتش اطاعت نمی کند یا کارمندی که به کارفرمای خود بی احترامی می کند هر دو فرمان پنجم را شکسته اند. رئیس شرکتی که به موقع حقوق کارمندان را پرداخت نمی کند و به شایستگی رفتار نمی کند نیز فرمان پنجم را می شکند. البته همانطور که قبلا نیز اشاره کردم همه ما در وهله اول باید از خدا و کلام او اطاعت کنیم و در صورتی که قانون مملکتی یا دستور کارفرمایی یا حکم کلیسایی... بر خلاف تعالیم صریح کتاب مقدس و ارزش های اخلاقی خدا باشد مطلقا نباید از آن اطاعت کنیم.

۹- نکته چشمگیر دیگر در فرمان پنجم این است که به طور ضمنی بر این اصل نیز تاکید می کند که یک خانواده از یک «پدر» و یک «مادر» و فرزندان تشکیل شده است و هر گونه انحراف از این چارچوب الهی تخطی از ارزش های اخلاقی خداست. مثلا دو فرد همجنسگرا که کودکانی را به فرزندخواندگی خود در آورده اند یک خانواده را تشکیل نمی دهند و مورد تایید خداوند نیست.

۱۰- فرمان پنجم شامل وعده ای از خداوند است:

۱۲ «پدر و مادر خود را گرامی دار تا در سرزمینی که یهوه خدایت به تو میبخشد، روزهایت دراز شود. خروج ۱۲: ۲۰»

توجه کنید که این وعده مجددا عنصری از ده فرمان است که بیشتر مرتبط با پیمان و عهد میان خدا و قوم اسرائیل است. از سوی دیگر این وعده صرفا منوط به انجام فرمان پنجم نیست بلکه به انجام همه فرامین است!

اگر قوم اسرائیل تمامی فرمان ها و فرایض خداوند را اطاعت می کردند علاوه بر مالکیت زمین وعده، از برکات الهی نیز مانند رشد جمعیت، شکوفایی اقتصادی، استقلال و امنیت... برخوردار می شدند؛ موسی مرد خدا دقیقاً این وعده را برای بار دوم در زمان و مکانی دیگر به قوم اسرائیل در کتاب تثئیه یادآوری می کند و در آن تاکید می کند که آنان موظفند که همه فرامین را نگه دارند:

۱ «این است فرمانها و فرایض و قوانینی که یهوه، خدای شما، امر فرمود به شما بیاموزم، تا آنها را در سرزمینی که برای تصرفش بدان عبور می کنید، به جای آرید، ۲ و تا شما و فرزندانتان و فرزندان فرزندانان از یهوه خدای خود بترسید و تمامی فرایض و فرمانهای او را که من به شما حکم می کنم، در تمامی ایام زندگیتان نگاه دارید، تا عمر دراز داشته باشید. ۳ پس ای اسرائیل، بشنو و آنها را به دقت انجام ده، تا در سرزمینی که شیر و شهد در آن جاری است سعادت مند باشی و بسیار افزون گردی، همان گونه که یهوه خدای پدرانت به تو وعده داده است. تثئیه ۶: ۱-۳»

بنابراین این وعده بیشتر جنبه شکوفایی ملی و تداوم نسل برای قوم اسرائیل داشت. در هر حال کسانی که در شریعت خداوند تفکر می کنند، به آن عشق می ورزند و با ایمان به خداوند و با قدرت روح القدس در آنها گام می نهند بدون شک برکت خداوند به شکل های گوناگون در زندگی شان حاکم خواهد بود.

آیا «تو» از فرمان پنجم در سراسر زندگی ات اطاعت کرده ای؟

فرمان ششم

۱۳ «قتل مکن. خروج ۲۰: ۱۳»

شاید با خواندن این فرمان نفسی راحت کشیدید که لااقل از این حکم از بین فرمان هایی که تا این لحظه بررسی کرده ایم اطاعت کرده اید؛ اما متأسفانه واقعیت چیز دیگری است!

اگر خدا فقط و فقط همین یک فرمان را به انسان ها داده بود برای محکومیت همه انسان ها به مرگ ابدی کافی بود به عبارت دیگر همه انسان ها بدون استثنا این فرمان را شکسته اند!

بدون شک یکی از گناهان شنیع «قتل» است. احتمالاً همه انسان ها چه خداپرست چه آتئیست در این رابطه متفق القولند که قتل گناهی کبیره و عملی بسیار مذموم است. قتل به دو دلیل بسیار شنیع و شیطانی است. اول اینکه زندگی انسانی دیگر را که به شبیه خدا آفریده شده و اشرف مخلوقات است در دنیای مادی برای همیشه خاتمه می دهد و افراد بسیاری را در غم از دست دادن وی به سوگ می نشیند. دوم اینکه در صورتی که فرد مقتول ایماندار واقعی نباشد قتل فرصت توبه و ایمان به خداوند را برای همیشه از او می گیرد و او در جهنم بدور از حیات و خوشبختی خداوند، مرگ ابدی را نیز علاوه بر مرگ فیزیکی تجربه خواهد کرد یعنی هم از زندگی مادی و هم از زندگی روحانی اش تا به ابد محروم می شود که واقعه ای بسیار دردناک و تلخ است. توجه کنید که این دقیقاً هدف شیطان است که انسان ها را به هلاکت ابدی برساند:

۴۴... او (ابلیس) از آغاز قاتل بود و با حقیقت نسبتی نداشت، زیرا هیچ حقیقتی در او نیست. هر گاه دروغ می گوید، از ذات خود می گوید؛ چرا که دروغگو و پدر همه دروغهاست. انجیل یوحنا ۸: ۴۴

بنابراین زمانی که قتل و خشونت در کشوری گسترش یابد بدانید که شیطان و فرشتگان شریر کاملاً بر آن سرزمین تسلط دارند. شیطان با ایجاد جنگ های وسیع و ایجاد اختلافات بین الملل در طول تاریخ میلیون ها نفر را به کام مرگ فرو برده است و با قتل انسان های بیشمار آنها

را روانه جهنم کرده است؛ جنگ های جهانی اول و دوم که به مرگ میلیونها انسان در سراسر دنیا منجر شد نمونه ای از عملکرد شیطان است.

۱- مانند همه فرامین دیگر دامنه فرمان ششم نیز بسیار وسیع است:

۹۶ برای هر کمالی حدی می بینم،
اما فرمان تو بی نهایت وسیع است!

مزمور ۱۱۹ : ۹۶

این فرمان هرگونه صدمه جسمی، روحی و روانی که فردی به دیگران یا به خودش وارد کند را نهی و هرگونه رفتار خشونت آمیز را منع می کند؛ انسان برترین و والاترین آفرینش خداوند در جهان مادی است زیرا به شباهت و به صورت خدا آفریده شده است و ارزش آن قابل مقایسه با هیچ چیز دیگری در جهان مادی نیست. بنابراین هرگونه صدمه به انسانی در وهله اول بی حرمتی و اهانت به خالقش و زیر پا نهادن ارزش های اخلاقی و نیکویی خداوند است. شما اگر تابلوی نقاشی ارزشمندی را مخدوش سازید در واقع در وهله اول به خالق آن اثر بی حرمتی کرده اید؛ انسان تابلو نقاشی بی نظیر خداوند است! وقتی که می گوئیم انسان به شبیه خدا آفریده شده است منظور شباهت جسمانی و فیزیکی نیست بلکه دارا بودن ویژگی های منحصر به فردی مانند برقراری ارتباط کلامی در سطح عالی، قدرت تفکر و درک عمیق جهان هستی، ظرفیت شناخت خداوند و برقراری ارتباط با خالق، ظرفیت پذیرش صفات و ویژگی های الهی هر چند در مقیاسی محدود مانند محبت، نیکویی، تقدس، عدالت، حکمت، فرمانروایی، درک زبان منطق و ریاضیات، قابلیت ادراک زیبایی، داشتن خلاقیت، نوآوری و هنر و بالاخره داشتن «روح» که ابدی است و از بین نمی رود.

بنابراین هرگونه سهل انگاری در این راستا شکستن فرمان ششم است. مثلا کسی که مواد مخدر مصرف می کند و می داند که در دراز مدت به بدنش صدمه می زند در واقع فرمان ششم را می شکند. شخصی که به دلیل پرخوری و چاقی مفرط سلامتی اش را به خطر می اندازد نیز فرمان ششم را زیر پا می نهد. اگر فردی به هر دلیلی زندگی افراد دیگر را به خطر بیندازد فرمان ششم را شکسته است برای مثال تولید و فروش محصولات قلبی غذایی، بهداشتی، زیبایی... یا تولید، قاچاق و توزیع مواد مخدر که سلامتی افراد را به خطر بیندازد؛ هر گونه تشویق یا تعلیم دیگران به انجام فعالیت های خطرناک که به مرگ یا صدمه آنان منجر شود نیز نافرمانی از فرمان ششم است مثلا کسانی که جوانان و نوجوانان را تشویق و تحریک می کنند که در مکان های عمومی بر علیه حکومتی شورش یا اعتراض کنند و از احساسات ظریف آنان سو استفاده می کنند در حالی که از مخاطرات جدی چنین فعالیت هایی باخبراند این فرمان را زیر پا نهاده اند.

۲- فرمان ششم پیش از آنکه رفتار و کردار بیرونی نظیر «قتل» و هر گونه رفتار خشونت آمیزی را منع کند علت و منشا آن در باطن انسان و آنچه که در تفکرات، احساسات و اراده اش می گذرد و در نهایت به رفتار بیرونی منجر می شود را منع می کند. دقت کنید که گناهان نهفته در وجود انسان مانند تنفر، حسادت، بدخواهی، تعصب، خشم... و گناهان عمیق تری مانند طمع، خودپرستی، تکبر میوه های تلخی مانند ناسزاگویی، تحقیر و تمسخر دیگران، خود آزاری، دگر آزاری، خشونت و درگیری فیزیکی، قتل، خودکشی و در مقیاس بزرگتر درگیری های نژادی و مذهبی، ترور، جنگ و کشتار جمعی و هزار و یک ناهنجاری دیگر را به بار می آورند.

بنابراین رفتار بیرونی نتیجه شرارتی است که در درون انسان نهفته است:

۱۴ ما می دانیم که از مرگ به زندگی منتقل شده ایم، زیرا برادران را محبت می کنیم. هر که محبت نمی کند، در قلمرو مرگ باقی می ماند. ۵ کسی که از برادر خود نفرت دارد، قاتل است و شما می دانید که در هیچ قاتلی حیات جاویدان سکونت ندارد. سوم یوحنا ۱۴ و ۱۵

مسیح در موعظه معروف سر کوه دقیقاً بر این نکته تاکید می کند:

۲۱ «شنیده‌اید که به پیشینیان گفته شده، "قتل مکن، و هر که قتل کند، سزاوار محاکمه خواهد بود." ۲۲ اما من به شما می‌گویم، هر که بر برادر خود خشم گیرد، سزاوار محاکمه است؛ و هر که به برادر خود 'راقا'* گوید، سزاوار محاکمه در حضور شوراست؛ و هر که به برادر خود احمق گوید، سزاوار آتش جهنم بُوَد. متی ۵: ۲۱ و ۲۲

(راقا* در زبان آرامی (زبان محاوره ای یهودیان قرن اول میلادی) قابل قیاس با کلمه ای نظیر کله پوک در زبان فارسی است!)

نکته ای که بسیاری درک دقیقی از آن ندارند این است که سخنان طولانی مسیح معروف به موعظه بالای کوه (انجیل متی فصل های ۵-۷) که متی، فقط چکیده ای از آنها را با الهام از روح القدس به نگارش درآورده است در واقع این پیام را به مخاطبان یهودی و به همه انسان ها می رساند که عیسی ناصری همان مسیح موعود و یهوه خدای عهد عتیق است!

مسیح در اینجا به یهودیان این حقیقت را القا می کند که اقتدارش و کلماتش در حد اقتدار و کلمات یهوه خدای اسرائیل است! مسیح به یهودیان به زبان بی زبانی می گوید که کلماتش در حد «ده فرمان» یهوه خدای عهد عتیق است. به همین دلیل قوم یهود بعد از شنیدن موعظه سر کوه مسیح اعتراف کردند:

۲۸ چون عیسی این سخنان را به پایان رسانید، مردم از تعلیم او در شگفت شده بودند، ۲۹ زیرا با اقتدار تعلیم می داد، نه مانند علمای دین ایشان. متی ۷: ۲۸ و ۲۹

بنابراین فرمان ششم انسان را از هرگونه کینه، تنفر، حسادت، طمع، خشم بی مورد... نسبت به انسان های دیگر که ممکن است به قتل و یا هرگونه خشونت منجر شود نیز منع می کند. توجه کنید که خشمی که عکس العمل قدوسیت و عدالت خدا نسبت به گناه و شرارت است و به شکل داوری و مجازات الهی تجلی می یابد یا خشمی که یک ایماندار واقعی به دلیل وجود شرارت و گناه در دنیای اطراف ممکن است احساس کند با خشمی که نتیجه تنفر یا حسادت به انسان های دیگر است بسیار متفاوت است؛ اولی خشمی است که ریشه در عدالت و قدوسیت خدا دارد ولی دومی دقیقا ضد عدالت خداست.

۳- سقط جنین و خاتمه بارداری عمدی (غیر از موارد بسیار نادر پزشکی) و در هر مرحله ای از بارداری شکستن آشکار فرمان ششم است. دقت کنید که از نظر کتاب مقدس و حتی از دیدگاه بیولوژیکی نیز «جنین» یک انسان است که هنوز متولد نشده است. «سقط جنین» شنیع و شیطانی است زیرا جنین که مطلقا قادر به دفاع از خویشتن نیست و بدون اینکه عملی انجام داده باشد که شایسته چنین رفتار هولناکی علیه خود باشد به طرز فجیعی مثله و همچون زباله ای بی ارزش دور ریخته می شود و رحم مادر که می بایست امن ترین مکان برای وی باشد تبدیل به شکنجه گاه و قتلگاه او می شود. چنین جنایتی، آشکارا نشان می دهد که انسان تا چه اندازه از مقام و موقعیت والای خود افول کرده است که حتی از حیوانات وحشی نیز پست تر است که با تمام وجود و یا محبتی شگفت انگیز از نوزادان خود مراقبت می کنند. کسانی که در این جنایت به طور مستقیم یا غیر مستقیم نقشی ایفا می کنند از زن باردار، پزشک، پرستار، رئیس کلینیک... گرفته تا مسئولینی که در سطوح تصمیم گیری چنین سیاست هایی را تصویب و تایید می کنند در این قتل شریک جرم هستند. همچنین اگر کسی به هر دلیلی به نمایندگان احزابی که سقط جنین را تحت عنوان حقوق زنان تبلیغ و تایید می کنند رای دهد حتی اگر شخصا با سقط جنین موافق نباشد همچنان در قتل میلیون ها انسان شریک جرم است. در آمریکا سالانه بیش از یک میلیون سقط جنین (آمار رسمی) انجام می شود؛ یکی از سیاست های اصلی حزب دموکرات در آمریکا حمایت از سقط جنین و فراهم کردن مجوزهای قانونی و زمینه های پزشکی برای آن است و بنابراین اگر کسی به هر دلیلی به این حزب رای دهد حتی اگر شخصا با سقط جنین نیز

مخالف باشد در قتل عام میلیون ها انسان شریک جرم است و باید در روز داوری نهایی به خدای عادل برای تک تک آنها جواب پس دهد. سالانه ده ها میلیون انسان در سراسر دنیا از طریق «سقط جنین» عمدی، قتل عام میشوند اما این خبر تیتز اول روزنامه ها یا خبر اصلی رسانه های خبری را به خود اختصاص نمی دهد و حتی برعکس اکثر شبکه های خبری لیبرال این جنایت را تایید و تشویق می کنند و کشتار بی رحمانه انسان ها در رجم زنان به عنوان آزادی و ترقی تلقی می شود! این در حالی است که اگر هواپیمای مسافرتی در نقطه ای از دنیا سقوط کند و مثلا ۳۰۰ نفر بمیرند برای هفته ها تیتز اول رسانه های خبری را به خود اختصاص خواهد داد.

داوود پادشاه با الهام از روح القدس در مزمور ۱۳۹ می گوید:

۱۳ زیرا باطن مرا تو آفریدی؛
 تو مرا در رجم مادرم در هم تنیدی.
 ۱۴ تو را سپاس می گویم، زیرا عجیب و مهیب ساخته شده ام؛
 اعمال تو شگفت انگیزند،
 جان من این را نیک می داند.
 ۱۵ استخوان بندی ام از تو پنهان نبود،
 چون در نهان ساخته می شدم.
 آنگاه که در ژرفای زمین تنیده می شدم،
 ۱۶ دیدگانت کالبد شکل ناگرفته مرا می دید.
 همه روزهایی که برایم رقم زده شد
 در کتاب تو ثبت گردید،
 پیش از آنکه هیچ یک هنوز پدید آمده باشد.

مزمور ۱۳۹: ۱۳-۱۶

۴- رهبران مذهبی کاذب در سراسر دنیا که نمایندگان شیطان در طول تاریخ بوده اند و در لباس میش ولی باطنی گرگ صفت با تعالیم کاذب میلیارد ها انسان را در طول تاریخ روانه جهنم کرده اند بدون شک فرمان ششم را شکسته اند. مسیح خطاب به معلمان مذهبی یهود می گوید:

۱۵ «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما دریا و خشکی را درمی‌نوردید تا یک نفر را به دین خود بیاورید و وقتی چنین کردید، او را دو چندان بدتر از خود، فرزند جهنم می‌سازید. متی ۲۳: ۱۵»

۱۰ اذد نمی‌آید جز برای دزدیدن و کشتن و نابود کردن؛ من آمده‌ام تا ایشان حیات داشته باشند و از آن به فراوانی بهره‌مند شوند. یوحنا ۱۰: ۱۰»

رهبران و معلمان دینی کاذب مرتکب قتل روحانی می‌شوند که از هر نوع جنایت فیزیکی بدتر است. داغ‌ترین جای جهنم بعد از شیطان و فرشتگان شریر متعلق به این افراد است!

۵- در فرمان ششم، طبعاً فرمان‌های مثبت متعددی نهفته است که مهمترین آنها «همسایه خود را چون خویشتن محبت نما.» چون تلالو الماسی می‌درخشد. این بدین معناست که زندگی انسان ارزش بسیار والایی دارد و ما باید به هر طریقی از آن مراقبت و مواظبت کنیم. محبت برترین ارزش اخلاقی خدا است و بنابراین محبت انجام شریعت است.

۹ زیرا احکام 'زنا مکن'، 'قتل مکن'، 'دزدی مکن'، 'طمع مورز'، و هر حکم دیگری که باشد، همه در این کلام خلاصه می‌شود که «همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت کن.» ۱۰ محبت، به همسایه خود بدی نمی‌کند؛ پس محبت تحقق شریعت است. رومیان ۱۳: ۹ و ۱۰»

طبعاً کسی که مملو از محبت واقعی است خطای دیگران را می‌بخشد، کینه به دل نمی‌گیرد، زود خشمگین نمی‌شود، حتی به دشمنانش نیکویی می‌کند، صبور و بردبار است و به عقاید و حقوق دیگران احترام می‌گذارد، فروتن است...

که همه این رفتارهای مثبت اطاعت از فرمان ششم است و جز ارزش های اخلاقی خدا به شمار می آیند.

۶- ایمانداران به مسیح باید پیام نجات بخش انجیل را به دیگران برسانند و انسان ها را از پیامد هولناک گناه آگاه سازند؛ نجات یک انسان از آتش جهنم و مرگ ابدی بی نهایت ارزشمند است و قصور از این مأموریت مهم به نوعی نافرمانی از حکم ششم است:

۱ و کلام خداوند بر من نازل شده، مرا گفت: ...۳ و اگر آن دیدبان ببیند که شمشیر بر آن سرزمین فرود می آید و در شیپور خود دمیده، به مردم هشدار دهد، ۴ اگر کسی صدای شیپور را بشنود، اما به هشدار توجه نکند و شمشیر بیاید و جان او را بگیرد، خونس بر گردن خودش خواهد بود. ۵ زیرا صدای شیپور را شنیده، اما به هشدار توجه نکرده است، پس خونس بر گردن خودش خواهد بود. حال آنکه اگر به هشدار توجه می کرد، جان خود را می رهاشد. ۶ اما اگر دیدبان ببیند که شمشیر می آید اما در شیپور خود ندمد، و مردم هشدار نیابند، و شمشیر آمده، جان یکی از آنان را بگیرد، آن شخص در گناه خود گرفتار آمده است، اما خون او را از دست دیدبان خواهم طلبید. حزقیال ۳۳: ۶

بزرگترین جنایت تاریخ بشری واقعه مصلوب شدن عیسی مسیح خداوند است؛ کسی که عدالت کامل و مطلق الهی را در طول زندگی اش بجا آورده بود و در واقع شریعت زنده خدا بر زمین بود با بی رحمانه ترین روش توسط کسانی که هر لحظه زندگی شان ده فرمان را شکسته بودند به قتل رسید! حتی او را میان دو جنایتکار مصلوب کردند که احتمالاً از همدستان باراباس قاتل بودند؛ باراباس همان شورشی محکوم به اعدام بود که پیلاتوس والی رومی به درخواست یهودیان او را مطابق سنت عید پسخ یهودیان آزاد و به جای او مسیح را به اعدام محکوم کرد. اما خداوند بزرگترین تراژدی و جنایت تاریخ بشری را به شگفت انگیزترین طریق نجات انسان ها از گناه و مرگ ابدی تبدیل کرد و کفاره گناه را برای همه انسان ها مهیا ساخت؛ قتلی که به نجات

قاتلان دنیا منجر شد! در همان روز یکی از دو قاتلی که در سمت راست مسیح
مصلوب شده بود با ایمان به مسیح خداوند از مرگ ابدی نجات یافت!

۳۹ یکی از دو جنایتکاری که بر صلیب آویخته شده بودند، اهانت‌کنان به او
می‌گفت: «مگر تو مسیح نیستی؟ پس ما و خودت را نجات بده!» ۴۰ اما آن
دیگر او را سرزنش کرد و گفت: «از خدا نمی‌ترسی؟ تو نیز زیر همان حکمی!
۴۱ مکافات ما به‌حق است، زیرا سزای اعمال ماست. اما این مرد هیچ تقصیری
نکرده است.» ۴۲ سپس گفت: «ای عیسی، چون به پادشاهی خود رسیدی، مرا
نیز به یاد آور.» ۴۳ عیسی پاسخ داد: «آمین، به تو می‌گویم، امروز با من در
فردوس خواهی بود.» لوقا ۲۳ : ۳۹-۴۳

آیا «تو» از فرمان ششم در سراسر زندگی ات اطاعت کرده ای؟

فرمان هفتم

۱۴ «زنا مکن.

خروج ۲۰ : ۱۴

داوود پادشاه در مزمور ۱۹ می‌گوید:

۷ شریعت خداوند کامل است،
و جان را احیا می‌کند.
شهادت خداوند امین است،
و ساده‌لوحان را حکیم می‌گرداند.
۸ احکام خداوند راست است،
و دل را شادمان می‌سازد.
فرمان خداوند پاک است،

و دیدگان را روشن می‌کند.
 ۹ ترس خداوند ظاهر است،
 و پایدار تا به ابد.
 قوانین خداوند حق است،
 و به تمامی، عدل.
 ۱۰ از طلا مرغوبتر است،
 حتی از زر بسیار خالص؛
 از شهد شیرین‌تر است
 حتی از قطرات شانهٔ عسل.
 ۱۱ خدمتگزارت نیز از آنها هشدار می‌یابد،
 و در حفظشان پاداشی عظیم است. مزمو ۱۹: ۷-۱۱

تبعیت از ارزش های اخلاقی یا شریعت خدا که از نیکویی، قدوسیت و عدالت
 وی سرچشمه می‌گیرد خوشبختی، آرامش، شادی، سازگاری، زیبایی، فراوانی و
 حیات را برای انسان ها و فرشتگان تضمین می‌کند!

شیطان و فرشتگان شریر تحت فرماندهی اش در طول تاریخ بشری سعی کرده
 اند که با فریب انسان ها ارزش های اخلاقی خدا را در قالب تصویری زشت و
 کاریکاتور گونه جلوه دهند؛ انسان های فریب خورده بسیاری بر این باورند که
 ارزش های اخلاقی خدا سختگیرانه، غیر منصفانه، قدیمی و غیر منطقی اند و
 لااقل برای انسان امروزی و مدرن کاربرد ندارند. اگر فکر می‌کنید که چنین
 تصویری مختص انسان امروزی و مدرن است کاملاً اشتباه می‌کنید زیرا شیطان
 کارش را از باغ عدن شروع کرده است!
 به دقت به سخنان مار (ابلیس) توجه کنید:

۱ و اما مار از همهٔ وحوش صحرا که یهوه خدا ساخته بود، زیرکتر بود. او به
 زن گفت: «آیا خدا برآستی گفته است که از هیچیک از درختان باغ نخورید؟»
 ۲ زن به مار گفت: «از میوهٔ درختان باغ می‌خوریم،^۳ اما خدا گفته است، "از
 میوهٔ درختی که در وسط باغ است مخورید و بدان دست مزیند، مبادا بمیرید."»

۴ مار به زن گفت: «بهیقین نخواهید مرد. ۵ بلکه خدا می‌داند روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز خواهد شد و همچون خدا شناسنده نیک و بد خواهید بود.» ۶ چون زن دید که آن درخت خوش‌خوراک است و چشم‌نواز، و درختی دلخواه برای افزودن دانش، پس از میوه آن گرفت و خورد، و به شوهر خویش نیز که با وی بود داد، و او خورد. پیدایش ۳: ۱-۶

شیطان با زیرکی تمام فرمان خدا را که آدم و حوا را از خوردن میوه فقط یک درخت از میان صدها درخت زیبا و دل‌انگیز منع کرده بود بسیار سختگیرانه جلوه می‌دهد؛ دقت کنید که چگونه ابلیس سوالش را مطرح می‌کند «آیا خدا براستی گفته است که از هیچ‌یک از درختان باغ نخورید؟» هدف شیطان این بود که فرمان خدا را بسیار منفی و تنگ‌نظرانه در ذهن حوا منعکس کند و جالب است که وی با اولین ضربه موفق می‌شود تا به هدف شوم خود برسد فقط کافی است به پاسخ حوا اندکی دقیق‌تر توجه کنیم:

۲ «زن به مار گفت: «از میوه درختان باغ می‌خوریم، ۳ اما خدا گفته است، "از میوه درختی که در وسط باغ است نخورید و بدان دست‌مزید، مبادا بمیرید."» پیدایش ۳: ۲ و ۳

حال آنکه خداوند به آنان گفته بود:

۶ و ۱۰ یهوه خدا آدم را امر کرده، گفت: «تو می‌توانی از هر یک از درختان باغ آزادانه بخوری؛ ۱۷ اما از درخت شناخت نیک و بد زنه‌ار نخوری، زیرا روزی که از آن بخوری بهیقین خواهی مرد.» پیدایش ۲: ۱۶ و ۱۷

اولا حوا کلمه «هر» یا «همه» را از جمله اش حذف می‌کند در حالی که خدا به آنان گفته بود از همه یا «هر یک از» درختان باغ آزادانه بخورید. دوما خدا به آدم و حوا نگفته بود که آن درخت را لمس نکنید!

هدف شیطان این بود که در حوا این ذهنیت را القا کند که خدا با منع کردن از خوردن میوه یک درخت، آنان را از چیزی بسیار عالی و شگفت‌انگیز محروم کرده است؛ این در حالیست که آدم و حوا با خوردن آن میوه صرفاً بدی را شناختند! اما تفاوتی بی‌نهایت بین شناخت خدا از بدی با شناخت انسان از بدی

وجود دارد همانطور که شناختی که یک متخصص آنکولوژیست از بیماری سرطان دارد با بیمار سرطانی که با مرگ دست و پنجه نرم می کند و با تمام سلول هایش آن را تجربه کرده است زمین تا آسمان فرق دارد؛ خدا بدی را بدون اینکه تجربه کرده باشد می شناسد ولی آدم و حوا بدی را با تجربه کردن آن شناختند و بدین ترتیب سقوط انسان به دره مرگ ابدی و گناه رقم خورد!

شیطان در طول تاریخ خدا را همچون دیکتاتور سختگیری به تصویر کشیده است که هر گونه خوشی و لذت را از انسان ها صلب کرده است؛ اما حقیقت این است که خدا سرچشمه خوشی، خوشبختی و حیات است و هر چیز شگفت انگیز، نیکو، زیبا، دل انگیز و لذت بخشی از او جاری می شود. کافی است اندکی به آفرینش حیرت آور خدا نگاهی بیندازیم تا به حقیقت جمله فوق پی ببریم؛ جهان هستی که شگفتی و زیبایی آن قابل توصیف نیست انعکاسی از محبت و نیکویی خداوند است.

با این مقدمه اجازه دهید به فرمان هفتم نگاهی بیندازیم:
«زنا مکن.»

۱- زنا به معنی داشتن رابطه جنسی خارج از چارچوب ازدواج است (مخصوصاً رابطه جنسی شخص همسر دار با فردی دیگر غیر از همسرش). مطابق ارزش های اخلاقی خدا، رابطه جنسی فقط و فقط در چارچوب ازدواج و آن هم بین یک مرد و یک زن قانونی و مشروع است. ازدواج مطلقاً یک عرف یا قرارداد انسانی نیست بلکه خدا در ابتدای آفرینش انسان آن را بنیاد نهاده است و هر گونه تخطی از آن تخطی از فرمان هفتم است:

۲۴ از همین رو، مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند شد. پیدایش ۲: ۲۴

ازدواج نزد خدا چنان مقدس است که در عهد جدید کتاب مقدس کلیسا (جماعت ایمانداران واقعی) به عروس مسیح تشبیه شده است که ردای عدالت سپید مسیح را بر تن دارد!

هر گونه ناپاکی در ازدواج و خیانت به همسر شکستن فرمان هفتم است.

۲- کسی که همسرش را به هر دلیلی بجز بی عفتی طلاق دهد و خودش یا همسرش با شخص دیگری ازدواج کنند همه طرفین زناکار محسوب می شوند و فرمان هفتم را شکسته اند:

۳۱ «همچنین گفته شده که ”هر که زن خود را طلاق دهد، باید به او طلاقنامه ای بدهد.“ ۳۲ اما من به شما می گویم، هر که زن خود را جز به علت بی عفتی طلاق دهد، باعث زناکار شدن او می گردد؛ و هر که زن طلاق داده شده را به زنی بگیرد، زنا می کند. متی ۵: ۳۱ و ۳۲

دقت کنید که هر کسی که عمدا باعث شود شخص دیگری یکی از فرامین را زیر پا نهد خود نیز در آن گناه شریک است. یادآوری این نکته ضروری است که اصولا در ازدواج مخصوصا در عصر کنونی گاهی مسائل بسیار غامض و غیرقابل پیش بینی مانند مشکلات اقتصادی، بیماری، مرگ بستگان، مهاجرت، معضلات اجتماعی و سیاسی، تفاوت های فرهنگی و مذهبی پیش می آیند که حل و فصل آنها بسیار پیچیده اند و متأسفانه حتی ایمانداران واقعی نیز گاهی در بن بست قرار می گیرند؛ علت چنین معضلی این است که دو انسان گناهکار که در دنیایی سقوط کرده زندگی می کنند و با انسان های گناهکار دیگر در رابطه هستند باید تا آخر عمر به عهد و پیمانشان در ازدواج وفادار بمانند که لازمه آن در وهله اول داشتن محبت و عشقی عمیق و واقعی نسبت به خداوند و دوما نسبت به طرف مقابل است!

۳- دامنه این فرمان همانند همه فرامین بی نهایت وسیع است و هرگونه ناپاکی و انواع و اقسام انحرافات جنسی را نیز در بر می گیرد مانند همجنس گرایی و هر گونه رابطه غیر طبیعی جنسی بین دو مرد یا دو زن، تن فروشی، هرگونه سو استفاده جنسی از دیگران مخصوصا کودکان، تماشای هر نوع پورنوگرافی و فیلم ها و تصاویر مبتذل در فضای مجازی یا غیر مجازی، هرگونه خیال پردازی و فانتزی جنسی، هرگونه خشونت و تجاوز جنسی...

متأسفانه در عصری زندگی می‌کنیم که گناهان جنسی رایج، متنوع و به سهولت قابل دسترس اند و حتی بچه‌های خردسال نیز از این انحرافات در امان نیستند؛ بهترین نام برای عصر حاضر «قرن پلید» است که از هر در و دیوارش بوی تعفن ناپاکی جنسی به مشام می‌رسد. در کتاب مقدس هنگام اشاره به فرشتگان شریر اکثراً آنان را ارواح ناپاک یا پلید می‌نامد:

۲۳ در آن هنگام، در کنیسه آنها مردی بود که روح پلید داشت. او فریاد برآورد: «ای عیسای ناصری، تو را با ما چه کار است؟ آیا آمده‌ای نابودمان کنی؟ می‌دانم کیستی! تو آن قدوس خدایی!» ۲۵ عیسی او را نهیب زد و گفت: «خاموش باش و از او بیرون بیا!» ۲۶ آنگاه روح پلید آن مرد را سخت تکان داد و نعره‌زنان از او بیرون آمد. ۲۷ مردم همه چنان شگفت‌زده شده بودند که از یکدیگر می‌پرسیدند: «این چیست؟ تعلیمی جدید و با اقتدار! او حتی به ارواح پلید نیز فرمان می‌دهد و آنها اطاعتش می‌کنند.» مرقس ۱: ۲۳-۲۷

شیطان و فرشتگان شریر همگی ارواحی ناپاک و پلید هستند که گناه جنسی را از همان بدو سقوط انسان ترویج کرده‌اند و هدف آنان مخدوش کردن هر چه بیشتر تصویر خدا در انسان است. هر چه انسان ناپاک‌تر باشد به شیطان شباهت بیشتری دارد. خدا قدوس مطلق و سرچشمه پاکی است و ذره‌ای ناپاکی در حضور خدا وارد نخواهد شد. گناهان جنسی روح، ضمیر و جسم انسان‌ها را آلوده می‌کند و آنها را به دره مرگ ابدی سوق می‌دهد!

۱۸ از بی‌عفتی بگریزید! هر گناه دیگر که انسان مرتکب شود بیرون از بدن اوست، اما کسی که مرتکب بی‌عفتی می‌شود، نسبت به بدن خود گناه می‌کند. ۱۹ آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شماست و او را از خدا یافته‌اید، و دیگر از آن خود نیستید؟ ۲۰ به بهایی خریده شده‌اید، پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید. اول قرن‌تین ۶: ۱۸-۲۰

۳ مباد که در میان شما از بی‌عفتی یا هر گونه ناپاکی یا شهوت‌پرستی حتی سخن به میان آید، زیرا اینها شایسته مقدسین نیست. ۴ گفتار زشت و بیهوده‌گویی و سخنان مبتذل نیز به هیچ روی زیبنده نیست؛ به جای آن باید شکرگزاری کرد. ۵ زیرا یقین بدانید که هیچ بی‌عفت یا ناپاک یا شهوت‌پرست، که همان بت‌پرست باشد، در پادشاهی مسیح و خدا نصیبی ندارد. ۶ مگذارید کسی شما را با سخنان پوچ بفریبد، زیرا به‌خاطر همین چیزهاست که غضب خدا بر سرکشان نازل می‌شود. ۷ پس با آنها شریک مشوید. افسسیان ۵: ۳-۶

۹ آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد؟ فریب نخورید! بی‌عفتان، بت‌پرستان، زناکاران، لواطگران - چه فاعل و چه مفعول، ۱۰ ازدان، طمع‌ورزان، میگساران، ناسزاگویان و شیادان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد. ۱۱ بعضی از شما در گذشته چنین بودید، اما در نام عیسی مسیح خداوند و توسط روح خدای ما شسته شده، تقدیس گشته و پارسا شمرده شده‌اید. اول قرنتیان ۶: ۹-۱۱

۴- فرمان هفتم نه تنها رفتار بیرونی بلکه در وهله نخست شهوت درونی را نیز منع می‌کند. فردی که به هر دلیلی رفتار بیرونی جنسی را کنترل کند ولی ذهن و ضمیرش از شهوات و امیال جنسی مشتعل و درونش آکنده از ناپاکی (چشم‌بد، خیالات جنسی، امیال شهوانی...) باشد همچنان فرمان هفتم را شکسته است:

۲۷ «شنیده‌اید که گفته شده، "زنا مکن." ۲۸ اما من به شما می‌گویم، هر که با شهوت به زنی بنگرد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است. متی ۵: ۲۷

۲۵ چشمانت به استقامت نگران باشد، و مژگانت پیش روی تو راست باشد. امثال ۴: ۲۵

۱ «با چشمان خود عهد بسته‌ام؛ پس چگونه بر دوشیزه‌ای چشم بدوزم؟
۲ نصیب من از خدایی که در بالاست چه خواهد بود، و میراث من از قادر مطلق که در عرش برین است؟

کتاب ایوب ۳۱: ۲۱

۵- طبعا کسانی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در ترویج گناهان جنسی و تشویق دیگران به انجام آنها نقش دارند این فرمان را شکسته اند.

۶- مانند همه فرامین دیگر جنبه مثبت فرمان هفتم، عبارت از محبت به دیگران و مخصوصا عشق ورزیدن و وفاداری کامل به همسر است:

۲۵ ای شوهران، زنان خود را محبت کنید، آن‌گونه که مسیح نیز کلیسا را محبت کرد و جان خویش را فدای آن نمود،... ۲۸ به همین‌سان، شوهران باید همسران خود را همچون بدن خویش محبت کنند. آن که زن خود را محبت می‌کند، خویشتن را محبت می‌نماید. ۲۹ زیرا هرگز کسی از بدن خود نفرت ندارد، بلکه به آن خوراک می‌دهد و از آن نگاهداری می‌کند، همچنانکه مسیح نیز از کلیسا مراقبت می‌نماید؛ ۳۰ زیرا اعضای بدن اویم. ۳۱ «از این رو مرد، پدر و مادر خود را ترک گفته، به زن خویش خواهد پیوست، و آن دو یک تن خواهند شد.» ۳۲ این راز، بس عظیم است - اما من دربارهٔ مسیح و کلیسا سخن می‌گویم. ۳۳ باری، هر یک از شما نیز باید زن خود را همچون خویشتن محبت کند، و زن باید شوهر خویش را حرمت نهد.

افسیان ۵: ۲۵-۳۱

۷- هر چیزی که ما را از انحرافات جنسی محافظت می‌کند در فرمان هفتم نیز گنجانده شده است. برای مثال کسی که از فرمان‌های پولس رسول در رساله افسسیان پیروی کند هرگز وقت با ارزش خود را ساعت‌ها در فضای مجازی با محتوای غیر اخلاقی یا مبتذل صرف نمی‌کند و بدون شک از وسوسه‌ها و حيله‌های شیطان و فرشتگان شریر نیز در امان خواهد بود:

۱۵ پس، بسیار مراقب باشید که چگونه رفتار می‌کنید، رفتاری نه چون نادانان بلکه چون دانایان. ۱۶ فرصتها را غنیمت شمارید، زیرا روزهای بدی است. ۱۷ پس نادان نباشید، بلکه دریابید که ارادهٔ خداوند چیست. ۱۸ مست شراب مشوید، که شما را به هرزگی می‌کشاند؛ بلکه از روح پر شوید. ۱۹ با مزامیر،

سرودها و نغمه‌هایی که از روح است با یکدیگر گفتگو کنید و از صمیم دل برای خداوند بسرایید و ترنم نمایید. افسسیان ۵: ۱۵-۱۹

۱۰ باری، در خداوند، و به پشتوانه قدرت مقتدر او، نیرومند باشید. ۱۱ اسلحه کامل خدا را بر تن کنید تا بتوانید در برابر حیل‌های ابلیس بایستید. افسسیان ۶: ۱۱ و ۱۰

اگر یک فرد مجرد احساس می‌کند که قادر نیست در برابر وسوسه‌های شیطان و شهوات نفس مقابله کند باید ازدواج کند:

۲ اما به سبب بی‌عفتیهای موجود، هر مردی باید زن خود را داشته باشد، و هر زنی شوهر خود را. اول قرنتیان ۷: ۲

همچنین زن و شوهر باید با سازگاری، محبت و درک متقابل نیازهای جنسی یکدیگر را مد نظر قرار دهند:

۳ مرد باید دین خود را نسبت به زنش ادا کند و زن نیز دین خود را نسبت به شوهرش. ۴ زن بر بدن خود اختیار ندارد بلکه شوهرش، و مرد نیز بر بدن خود اختیار ندارد بلکه زنش. ۵ پس یکدیگر را محروم نکنید، مگر با رضای یکدیگر و برای مدتی، تا خود را وقف دعا کنید. سپس باز به یکدیگر بپیوندید، مبادا شیطان شما را به سبب ناخوشتنداری در وسوسه اندازد. اول قرنتیان ۷: ۳-۵

۸- زمانی که به هر دلیلی خداوند اولویت زندگی شما نباشد فرمان اول را زیر پا می‌نهد زیرا انسان یا چیز دیگری جای خدا را در زندگی تان اشغال می‌کند و تبدیل به یک «بُت» می‌شود؛ در نتیجه شما مرتکب زناهای روحانی می‌شوید زیرا به خدا خیانت می‌ورزید:

۴ ای زناکاران، آیا نمی‌دانید دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟ هر که در پی دوستی با دنیاست، خود را دشمن خدا می‌سازد. ۵ آیا گمان می‌برید کتاب بیهوده گفته است: «روحی که خدا در ما ساکن کرده، تا به حد حسادت مشتاق ماست؟» رساله یعقوب ۴: ۴

با این وصف کسی که فرمان اول را بشکند نه تنها فرمان هفتم (زنا مکن). بلکه فرمان هشتم (دزدی مکن). را نیز شکسته است زیرا وقت، توان و ثروتش که متعلق به خداوند است صرف چیزی می‌شود که به آن عشق می‌ورزید و در عمل آن را می‌پرستند!

آیا «تو» از فرمان هفتم در سراسر زندگی ات اطاعت کرده ای؟

فرمان هشتم

۱۵ «دزدی مکن.

خروج ۲۰: ۱۵

شریعت خداوند کامل است و همه جوانب زندگی انسان ها را در برمی گیرد و چارچوب رابطه هر فردی با خدا و انسان های دیگر را مشخص می کند و هر گونه تخطی از آنها به شقاق، جدایی، ترس، تنفر، اضطراب، خستگی و تکرار، آشفتگی، غم و افسردگی، بیماری و در نهایت مرگ فیزیکی و روحانی منجر می شود. ما به عنوان ایمانداران واقعی باید به دقت این فرامین را بیاموزیم و با قدرت روح القدس که در ما عمل می کند از آنها اطاعت کنیم تا سعادت مند شویم:

۲۲ به جای آورنده کلام باشید، نه فقط شنونده آن؛ خود را فریب مدهید! ۲۳ زیرا هر کس که کلام را می‌شنود اما به آن عمل نمی‌کند، به کسی ماند که در آینه به

چهره خود می‌نگرد ۲۴ و خود را در آن می‌بیند، اما تا از برابر آن دور می‌شود، از یاد می‌برد که چگونه سیمایی داشته است. ۲۵ اما آن که به شریعت کامل که شریعت آزادی است چشم دوخته، آن را از نظر دور نمی‌دارد، و شنونده فراموشکار نیست بلکه به‌جای آورنده است، او در عمل خویش خجسته خواهد بود. رساله یعقوب ۱: ۲۲-۲۵

فرمان هشتم پایه های اقتصاد، تجارت و کسب و کار انسان ها را بر بنیاد مالکیت خصوصی می نهد که صداقت، راستی، عدالت و تلاش فردی هسته آن را تشکیل می دهند. کتاب مقدس هرگز اقتصادی بر مبنای ایدئولوژی شیطانی مارکسیستی که در سیستم های کمونیستی و سوسیالیستی پیاده می شود را تایید نمی کند. بدون شک نظام سرمایه داری کنونی یا کاپیتالیسم نیز به شکلی که در دهه های اخیر در برخی از کشورها مخصوصا آمریکا توسعه یافته است مورد تایید کتاب مقدس نیست؛ در نظام سرمایه داری کنونی برخی شرکت های فناوری و اطلاعات، بیمه، خدمات مالی، داروسازی و مجتمع های نظامی... تبدیل به غول های بزرگی شده اند که کسب و کارهای کوچک را نابود می کنند و علاوه بر آن به دلیل ثروت هنگفت، دسترسی به اطلاعات و کنترل رسانه های خبری در ساختار سیاسی و سیاست گذاری عمومی کشورهای مختلف نفوذ یافته اند و به جرات می توان گفت که دموکراسی به معنی سنتی از کشورهای غربی برچیده شده است و جای خود را به نوعی از دیکتاتوری نوین داده است که گردانندگان شرکت های غول پیکر و چند ملیتی با تفکرات گلوبالیستی و ضد ملی، با داشتن ثروتی هنگفت زمام امور را در دست گرفته اند؛ در چنین نظامی که کاریکاتوری از سرمایه داری خصوصی است نیروی کار نقش بردگان نوین را ایفا می کنند و صرفا مصرف کنندگان دائمی کالاها و خدمات این شرکت های غول پیکرند؛ این بردگان مصرف کننده در ارزیابی نهایی مالک هیچ چیزی نیستند! متأسفانه در دنیایی زندگی می کنیم که شیطان و فرشتگان شریر بر آن فرمانروایی می کنند و با نزدیک تر شدن به پایان دوره کلیسا و آغاز حکومت جهانی ضد مسیح اوضاع از این نیز بدتر و خراب تر خواهد شد.

در هر حال کار و کوشش سخت و پرشور فردی همراه با بکارگیری همه توانایی ها و استعداد های خدادادی مانند عقل، شعور، خلاقیت، توانایی های کلامی و قدرت فیزیکی برای رسیدن به درجه ای از رضایت نسبی در زندگی دنیوی و گذرا چیزی است که در دل فرمان هشتم گنجانده شده است ؛ اگر می خواهید در زندگی به درجه ای از موفقیت و سعادت نسبی برسید آن را در کار و تلاش سخت جستجو کنید و نه در سرگرمی و تفریح! در فرمان چهارم نیز بر این اصل تاکید شده است که باید در شش روز هفته کار کنید!

پولس رسول در این رابطه به ایمانداران شهر تسالونیکي در یونان می نویسد:

۱۶ ای برادران، به نام خداوند عیسی مسیح به شما حکم می‌کنیم که از هر برادری که کاهلی پیشه کرده است و مطابق تعلیمی که از ما گرفته‌اید رفتار نمی‌کند، دوری کنید. ۱۷ زیرا خود می‌دانید که چگونه باید از ما سرمشق بگیرید. زمانی که ما با شما بودیم، کاهلی نکردیم ۱۸ و نان کسی را مفت نخوردیم، بلکه شب و روز کار کردیم و زحمت کشیدیم تا سر بار هیچ‌یک از شما نباشیم. ۱۹ نه اینکه چنین حقی نداریم، بلکه می‌خواستیم نمونه‌ای به شما بدهیم تا از ما سرمشق بگیرید. ۲۰ زیرا حتی زمانی که با شما بودیم این حکم را به شما دادیم که «هر که نمی‌خواهد کار کند، نان هم نخورد.»

۱۱ شنیده‌ایم در میان شما برخی کاهلی پیشه کرده‌اند. اینان کار نمی‌کنند، بلکه در کارهای دیگران فضولی می‌نمایند. ۱۲ پس به نام خداوند عیسی مسیح چنین‌کسان را حکم می‌کنیم و پند می‌دهیم که آرام و قرار بگیرند و برای تأمین معاش خود به آرامی کار کنند. ۱۳ و اما شما ای برادران، هرگز از انجام کار درست خسته نشوید. دوم تسالونیکیان ۳: ۶-۱۳

۱- فرمان هشتم در وهله اول و به طور صریح ما را از دزدی منع می‌کند. دزدی عبارت از برداشتن، غصب کردن و استفاده یا سوء استفاده غیر قانونی و ناعادلانه از مال، دارایی، ملک و در کل تعلقات دیگران بدون رضایت آنها است.

۹ آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد؟ فریب نخورید!
بی‌عفتان، بت‌پرستان، زناکاران، لواطگران - چه فاعل و چه مفعول، ۱۰ ازدان،
طمع‌ورزان، میگساران، ناسزاگویان و شیادان وارث پادشاهی خدا نخواهند شد.
اول قرنیتان ۶: ۹

۲- دامنه فرمان هشتم مانند همه فرامین دیگر بی‌نهایت وسیع است و هر نوع
تخطی مالی در زندگی خصوصی، در ارتباط با دیگران، در کسب و کار و امور
حرفه‌ای از مسائل کوچک و کم‌اهمیت گرفته تا مهم و کلان را در بر می‌گیرد.
هر گونه رشوه، اختلاس، پرداخت نکردن به موقع حقوق کارگران و کارمندان،
اخاذی، زورگیری، دزدی کالا از فروشگاه‌ها، سرقت‌های بزرگ و کوچک از
هر منبعی و به هر دلیلی، پرداخت نکردن و فرار مالیاتی، عدم پرداخت به موقع
وام، پس ندادن کلا یا چیزی که از دیگران قرض کرده‌اید، کلاهبرداری، گران
فروشی، تخلف در برچسب‌های وزن و قیمت کالاها و حتی کم‌کاری و
کارشکنی در محل کار... همگی دزدی محسوب می‌شوند و نمونه‌هایی از
نااطاعتی از فرمان هشتم اند. بدیهی است که آدم ربایان و سوداگران جنسی نیز
جنایت‌کارانی هستند که می‌بایست در ابتدای این لیست قرار گیرند.
پزشکی که صرفاً به دلیل منفعت مالی، بیمارش را با وجود ریسک و عوارض
خطرناک تحت عمل جراحی قرار می‌دهد که ابداً تاثیری در بهبود حال بیمار
ندارد یا تاثیر بسیار اندکی دارد کلاهبرداری کرده و فرمان هشتم را شکسته
است. متأسفانه از این نوع موارد کلاهبرداری در کسب و کار بسیار شایع است.
چند نمونه از آیات کتاب مقدس را که در رابطه با فرمان هشتم اند ملاحظه کنید:

۱۳ «بر همسایه خود ستم مکن و مالش را غصب منما. مزد کارگر روزمزد را
تا صبح نگاه مدار. لاویان ۱۹: ۱۳

۷ «دین خود را به همگان ادا کنید: اگر مالیات است، مالیات بدهید؛ اگر خراج
است، خراج بپردازید؛ اگر احترام است، احترام بگذارید؛ و اگر اکرام است،
تکریم کنید.
رومیان ۱۳: ۷

۳۵ «در سنجش طول و وزن و حجم تقلب مکنید. ۳۶ ترازوی درست، وزنه‌های درست، ایفۀ درست و هینِ درست داشته باشید: من یهوه خدای شما هستم، که شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم. ۳۷ همه فرایض و تمامی قوانین مرا نگاه دارید و آنها را به جا آورید: من یهوه هستم.» لاویان ۱۹: ۳۵-۳۷

۲۴ «چون به تاکستان همسایهات گام می‌نهی، می‌توانی از انگور سیر بخوری، هر اندازه که می‌خواهی، اما در سبد خود چیزی مگذار. ۲۵ «چون به کشتزار همسایهات گام می‌نهی، می‌توانی با دست خود خوشه‌هایی بچینی، اما داس بر کشت همسایهات مگذار. تثیبه ۲۳: ۲۴ و ۲۵

۱ خداوند از ترازوی نامیزان کراهت دارد،
اما وزنه کامل پسندیده اوست. امثال ۱۱: ۱

کلاهبرداران دینی نیز فرمان هشتم را می‌شکنند. شارلاتان‌های مسیحی نما با کلامی شیرین و پیام‌هایی مثبت که مطلقاً ربطی به انجیل مسیح و پیام نجات از گناه و مرگ ابدی ندارد بسیاری را به سمت خود جذب می‌کنند. برخی از آنها حتی مدعی داشتن قدرت معجزات و شفای بیماران هستند در حالی که دزدان سرگردنه‌ای بیش نیستند و هدفشان کسب ثروت، قدرت و شهرت است؛ در آمریکا برخی از این شارلاتان‌ها که جت‌های خصوصی، کشتی‌های تفریحی و خانه‌های لاکچری در اختیار دارند درآمدشان از هدایای افراد بیمار و کم‌درآمدی که به سختی پول بیمه درمان و مایحتاج روزانه‌شان را نیز می‌پردازند تامین می‌شود!

این شارلاتان‌های مسیحی نما که مدعی‌اند بیماران را شفا می‌دهند فقط وقتی به بیمارستان‌ها مراجعه می‌کنند که یا خود مریضند یا اعضای خانواده‌شان!

۲۱ نه هر که مرا ، خداوند، خداوند، گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد.
 ۲۲ بسا در آن روز مرا خواهند گفت، خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر نساختمیم؟
 ۲۳ آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که، هرگز شما را نشناختم! ای بدکاران از من دور شوید! متی ۷: ۲۱-۲۳

در زمان مسیح نیز رهبران مذهبی قوم اسرائیل از هزاران یهودی که برای عبادت خداوند به معبد اورشلیم می آمدند به روش های گوناگون پول می گرفتند؛ مسیح بارها آنان را برای این موضوع توبیخ می کرد:

۱۲ آنگاه عیسی به معبد خدا درآمد و کسانی را که در آنجا داد و ستد می کردند، بیرون راند و تختهای صرافان و بساط کبوترفروشان را واژگون ساخت ۱۳ و به آنان فرمود: «نوشته شده است که، "خانه من خانه دعا خوانده خواهد شد،" اما شما آن را "لانه راهزنان" ساخته اید.» متی ۲۱: ۱۲ و ۱۳
 ۱۴ «وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما از سویی خانه بیوه زنان را غارت می کنید و از دیگر سو، برای تظاهر، دعای خود را طول می دهید. از همین رو، مکافاتتان بسی سخت تر خواهد بود. متی ۲۳: ۱۴

۳- کسی که خداوند اولویت اول زندگی اش نیست و با تمام وجود به او محبت نمی ورزد مرتکب دزدی روحانی شده است و علاوه بر فرمان اول، فرمان هشتم را نیز شکسته است. این بدین معنی است که چنین شخصی توان، ثروت و وقتش را صرف اولویت های دیگر زندگی می کند در حالی که همه برکات زندگی و هر چیز نیکو را خدا به انسان ها بخشیده است و انتظار دارد که بخشی از آن را برای ستایش، تشکر و پرستش خداوند به او تقدیم کنیم. برای مثال باید شش

روز کار کنیم و یک روز را به پرستش و ستایش خدا اختصاص دهیم یا بخشی از ثروت و دارایی مان را برای خدمت به خداوند و در راه پیشبرد ملکوتش صرف کنیم. اکثر انسان ها در این زمینه مقصراند؛ گاهی علت مشکلات اقتصادی و عدم موفقیت کاری را می توان در نافرمانی از حکم هشتم جستجو کرد!

خدا در عهد عتیق به دلیل قصور قوم اسرائیل در دادن هدایا به معبد خدا که کاهنان مطابق دستور تورات روزانه در آن مکان انجام وظیفه می کردند چنین می گوید:

۸ آیا انسان از خدا می دزدد؟ اما شما از من می دزدید! می گوید، ”در چه چیز از تو دزدیده ایم؟“ در دهیکها و هدایا. ۹ شما سخت زیر لعنت هستید، زیرا که شما، یعنی تمامی این قوم، از من می دزدید. ۱۰ پس حال، همه دهیکها را به انبارها بیاورید تا در خانه من خوراک باشد. و خداوند لشکرها می گوید: مرا بدین سان بیازمایید که آیا روزنه های آسمان را برایتان نخواهم گشود و چنان برکتی بر شما نخواهم ریخت که دیگر هیچ نیازی باقی نماند! ۱۱ خداوند لشکرها می فرماید: آفت را به جهت شما توبیخ خواهم کرد تا ثمره زمین شما را تباہ نکند، و موهای تاکستان شما بی ثمر نخواهد بود. ۱۲ آنگاه همه قومها شما را سعادت مند خواهند خواند، زیرا که شما سرزمینی مسرت بخش خواهید بود. این است فرموده خداوند لشکرها. کتاب ملاکی نبی ۳: ۸-۱۲

همچنین آیات زیر نیز بر این موضوع تاکید می کنند:

۳۸ بدهید تا به شما داده شود. پیمانهای پُر، فشرده، تکان داده و لبریز در دامنتان ریخته خواهد شد! زیرا با هر پیمانهای که بدهید، با همان پیمانها به شما داده خواهد شد. « لوقا ۶: ۳۸

۳۳ بلکه نخست در پی پادشاهی خدا و عدالت او باشید، آنگاه همه اینها نیز به شما عطا خواهد شد. ۳۴ پس نگران فردا مباشید، زیرا فردا نگرانی خود را خواهد داشت. مشکلات امروز برای امروز کافی است! متی ۶: ۳۳ و ۳۴

۹ خداوند را با دارایی خود حرمت دار
و با نوبرهای همه محصول خویش؛
۱۰ آنگاه انبادهایت به وفور نعمت پر خواهد شد
و چرخشهایت از شراب تازه لبریز خواهد گشت.
کتاب امثال ۳: ۹ و ۱۰

۱۳ «اگر شبّات را زیر پا نهدی
و در روز مقدس من خشنودی خود را به جا نیاوری،
اگر شبّات را مایه خوشی بشماری
و روز مقدس خداوند را محترم بخوانی،
اگر آن را حرمت نهدی
و به راههای خود رفتار نکنی،
اگر لذت خود را نجویی
و سخنان بیهوده بر زبان نرانی،
۱۴ آنگاه لذت تو در خداوند خواهد بود؛
تو را بر بلندیهای زمین سوار خواهم کرد،
و میراث پدرت یعقوب را به تو خواهم خورانید؛»
کتاب اشعیا نبی ۵۸: ۱۳ و ۱۴

۴- فرمان هشتم نه تنها رفتارهای بیرونی بلکه تمایلات، کشش ها و گناهان
درونی که انسان ها را به چنین رفتارهای بیرونی سوق می دهند نیز منع می
کند. این گناهان درونی عبارتند از:

الف- بی ایمانی و توکل نکردن به خداوند

کسی که برای تامین نیازهای خود و خانواده در وهله اول به خداوند توکل نمی کند طبعاً از اراده مکشوف خدا در کتاب مقدس نیز اطاعت نخواهد کرد.

۱۹ و خدای من، همه نیازهای شما را بر حسب دولت پرجلال خود در مسیح عیسی رفع خواهد کرد. ۲۰ خدا و پدر ما را تا ابد جلال باد. آمین. فیلیپیان ۴: ۱۹

زندگی شما بری از پولدوستی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید، زیرا خدا فرموده است:

«تو را هرگز وا نخواهم گذاشت،
و هرگز ترک نخواهم کرد.»
عبرانیان ۱۳: ۵

۳۱ «پس نگران نباشید و نگویید چه بخوریم یا چه بنوشیم و یا چه بپوشیم.
۳۲ زیرا اقوام بتپرست در پی همه این‌گونه چیزهایند، اما پدر آسمانی شما می‌داند که بدین همه نیاز دارید. ۳۳ بلکه نخست در پی پادشاهی خدا و عدالت او باشید، آنگاه همه اینها نیز به شما عطا خواهد شد. ۳۴ پس نگران فردا مباشید، زیرا فردا نگرانی خود را خواهد داشت. مشکلات امروز برای امروز کافی است! متی ۶: ۳۱-۳۴

ب- طمع و آزمندی

طمع گناه درونی دیگری است که در فرمان دهم به آن خواهیم پرداخت ولی در اینجا به توضیح مختصری بسنده میکنم طمع عبارت است از خواستن و تمایل شدید و سیری ناپذیر به چیزی یا شخصی که داشتن آن برای ما مجاز نیست.

مثلا کسی که به هر دلیلی تمایل شدید به اتومبیل همسایه اش دارد یعنی به آن طمع می ورزد. طمع ابداء یک گناه معمولی نیست بلکه خباثت عظیمی در عمق انسان است که بسیار شیطانی است. هر گناهی خبیث است ولی طمع یکی از گناهان بسیار مرگبار و زهرآگین و در حد تکبر است. طمع بت پرستی است و شخصی که به فرد یا چیزی طمع می ورزد فرمان اول و دوم را نیز زیر پا می نهد زیرا اولویت زندگی اش چیزی غیر از خدا است. طمع، انسان ها را به انواع ناراستی مانند دزدی، زنا، قتل... سوق می دهد.

مدیران ثروتمند شرکت ها و موسسات بزرگ تجاری گاهی برای ثروت بیشتر و آزمندی اقدام به اختلاس یا کلاهبرداری می کنند در حالی که ابداء به آن پول نیازمند نیستند!

در مقابل ایمانداران واقعی باید در زندگی قانع باشند.

۶ اما دینداری با قناعت، سودی عظیم است.

اول تیموتائوس ۶ : ۶

پ- تنبلی که ریشه در خودپرستی دارد.

در آخر تنبلی نیز یکی از ریشه های مهم آسیب های اجتماعی نظیر دزدی است که بسیاری از انسان ها را به اسارت خود درآورده است. بسیاری تصور می کنند که تنبلی صرفا مشکل روانی است ولی ابداء چنین نیست و تنبلی، بیکارگی، تن آسایی و راحت طلبی از خود پرستی نشات می گیرند که گناهی شیطانی است و فرمان اول و دوم را نیز زیر پا می نهد. کار و تلاش سخت پادتنی برای تنبلی است.

همانطور که قبلا اشاره کردم در کتاب مقدس کار کردن یکی از ارزش های اخلاقی الهی است که تخطی از آن به فقر، تنگدستی، عدم رضایت در زندگی، مشکلات خانوادگی، نابسامانی های اجتماعی ... ختم می شود:

۶ ای برادران، به نام خداوند عیسی مسیح به شما حکم می کنیم که از هر برادری که کاهلی پیشه کرده است و مطابق تعلیمی که از ما گرفته اید رفتار نمی کند، دوری کنید. ۷ زیرا خود می دانید که چگونه باید از ما سرمشق بگیرید. زمانی که ما با شما بودیم، کاهلی نکردیم ۸ و نان کسی را مفت نخوردیم، بلکه شب و روز کار کردیم و زحمت کشیدیم تا سربار هیچ یک از شما نباشیم. ۹ نه اینکه چنین حقی نداریم، بلکه می خواستیم نمونه ای به شما بدهیم تا از ما سرمشق بگیرید. ۱۰ زیرا حتی زمانی که با شما بودیم این حکم را به شما دادیم که «هر که نمی خواهد کار کند، نان هم نخورد.»

۱۱ شنیده ایم در میان شما برخی کاهلی پیشه کرده اند. اینان کار نمی کنند، بلکه در کارهای دیگران فضولی می نمایند. ۱۲ پس به نام خداوند عیسی مسیح چنین کسان را حکم می کنیم و پند می دهیم که آرام و قرار بگیرند و برای تأمین معاش خود به آرامی کار کنند. ۱۳ و اما شما ای برادران، هرگز از انجام کار درست خسته نشوید. دوم تسالونیکیان ۳: ۶-۱۳

۵- قبلا نیز اشاره کردم که در دل این فرمان منفی، فرمان های مثبتی چون «همسایه خود را چون خویشتن محبت کن.»، «کار کن.»، «به نیازمندان کمک کن.»، «قانع باش.» ... گنجانده شده اند:

۸ هیچ دینی به کسی نداشته باشید جز اینکه یکدیگر را پیوسته محبت کنید. زیرا هر که به دیگری محبت کند، در واقع شریعت را به جا می آورد. ۹ زیرا احکام 'زنا مکن'، 'قتل مکن'، 'دزدی مکن'، 'طمع مورز'، و هر حکم دیگری که باشد، همه در این کلام خلاصه می شود که «همسایه ات را همچون خویشتن محبت کن.» ۱۰ محبت، به همسایه خود بدی نمی کند؛ پس محبت تحقق شریعت است. رومیان ۱۳: ۸-۱۰

۳۶ «ای استاد، بزرگترین حکم در شریعت کدام است؟» ۳۷ عیسی پاسخ داد: «خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما.» ۳۸ این نخستین و بزرگترین حکم است. ۳۹ دومین حکم نیز همچون حکم نخستین است: «همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت نما.» ۴۰ تمامی شریعت موسی و نوشته‌های پیامبران بر این دو حکم استوار است. «متی ۲۲: ۳۶-۴۰»

۲۸ دزد دیگر دزدی نکند، بلکه به کار مشغول شود، و با دستهای خود کاری سودمند انجام دهد، تا بتواند نیازمندان را نیز چیزی دهد. افسسیان ۴: ۲۸

۶ اما دینداری با قناعت، سودی عظیم است. اول تیموتائوس ۶: ۶

۱۴ ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم که کاهلان را هشدار دهید؛ کم‌جرتان را تشویق کنید؛ ضعیفان را حمایت نمایید؛ و با همه بردبار باشید. ۱۵ از نهار، کسی بدی را با بدی پاسخ نگوید، بلکه همواره در پی نیکی کردن به یکدیگر و به همه مردم باشید. اول تسالونیکیان ۵: ۱۴ و ۱۵

آیا «تو» از فرمان هشتم در سراسر زندگی ات اطاعت کرده ای؟

فرمان نهم

۱۶ «بر همنوع خود شهادت دروغ مده. خروج ۲۰: ۱۶»

زبان انسان که می‌بایست وسیله ای برای ستایش و شکرگزاری خدا و مرهمی برای جان‌های خسته باشد تبدیل به ابزار شیطانی و زهرآگینی شده که

مملو از هر نوع ناراستی، دروغ، افترا و ناسزاگویی... است. در این رابطه کلام مسیح را باید بسیار جدی بگیریم:

۳۶ اما به شما می‌گویم که مردم برای هر سخن پوچ که بر زبان برانند، در روز داوری حساب خواهند داد. ۳۷ زیرا با سخنان خود تیرنه خواهید شد و با سخنان خود محکوم خواهید گردید.» متی ۱۲: ۳۶ و ۳۷

۲۱ مرگ و زندگی در قدرت زبان است
آنان که دوستش می‌دارند، از میوه‌اش خواهند خورد.
امثال ۱۸: ۲۱

فراموش نکنید که ده فرمان انعکاس قدوسیت، راستی، نیکویی و عدالت مطلق و بی‌نهایت خدا است و هر چه بیشتر این فرامین را بیاموزیم و مطابق آنها زندگی کنیم بیش از پیش شبیه خدا خواهیم شد!

تَقَدُّسٌ در زندگی مسیحی یعنی شبیه خدا شدن!

۱ پس همچون فرزندان عزیز، از خدا سرمشق بگیرید. افسسیان ۵: ۱

۱- در وهله اول این فرمان به ما هشدار می‌دهد که شهادت دروغ علیه انسان‌های دیگر زیر پا نهادن ارزش‌های اخلاقی خدا و مجازات آن مرگ و دوری ابدی از خدا است! شهادت دروغ عبارت است از متهم کردن فرد یا افرادی به ارتکاب جرمی یا گناهی که خلاف واقع و دروغ است و یا برعکس بی‌گناه جلوه دادن و دفاع از فرد یا افرادی که مرتکب جرم یا گناهی شده‌اند مخصوصاً اگر با سوگند رسمی در محضر دادگاه شهادت داده شود؛ در تورات مجازات سنگینی برای شهادت کذب در مقابل داوران (در دادگاه) مقرر شده است:

۸- داوران باید به‌دقت تفحص کنند، و اگر شاهد، شاهدهی دروغین است و به دروغ بر ضد برادرش شهادت داده است، ۱۹ آنگاه با وی همان کنید که قصد داشت با همنوعش کند. بدین‌گونه بدی را از میان خود خواهید زدود. کتاب تثبیه ۱۹: ۸ و ۹

۲- مانند تمام فرمان‌های دیگر دامنه این فرمان نیز بسیار وسیع است و شامل افترا و تهمت زدن، بدنام و رسوا کردن دیگران، قسم دروغ یاد کردن، پیش‌داوری، غیبت، بدگویی، دروغ‌گویی و تحریف حقیقت، دورویی و چاپلوسی، شایعه‌پراکنی و انتشار اخبار کذب، بزرگ‌جلوه دادن خطای دیگران یا برعکس کم‌اهمیت نشان دادن اعمال یا رفتار نیکوی دیگران، فریب، کلاهبرداری، گزارش نادرست عمدی از یک واقعه یا حادثه‌ای، تغییر ارقام و اعداد در یک گزارش کاری یا تحقیقات علمی... است. همه ریاکاران مذهبی نیز به نوعی فرمان نهم را می‌شکنند زیرا زندگی آنان نمایش و تظاهری دروغین و توخالی بیش نیست؛ گفتارشان با آنچه که در ضمیر و ذهنشان می‌گذرد و در نهایت با اعمالشان مطابقت ندارد.

توجه کنید که دروغ‌گویی گناهی شیطانی است زیرا شیطان پدر دروغ هاست؛ مسیح خطاب به رهبران یهود می‌گوید:

۴۴ شما به پدرتان ابلیس تعلق دارید و در پی انجام خواسته‌های اوید. او از آغاز قاتل بود و با حقیقت نسبتی نداشت، زیرا هیچ حقیقتی در او نیست. هر گاه دروغ می‌گویید، از ذات خود می‌گویید؛ چرا که دروغ‌گو و پدر همه دروغ‌هاست. ۴۵ اما شما سخنم را باور نمی‌کنید، از آن رو که حقیقت را به شما می‌گویم. یوحنا ۸: ۴۴ و ۴۵

توجه کنید که هر دروغی چه کوچک و چه بزرگ شیطانی و شکستن فرمان نهم است حتی اگر نتیجه‌ای مثبت از آن حاصل شود؛ خدا حقیقت مطلق است و هیچ دروغ‌گویی وارد حضور خدا نخواهد شد:

۸ اما نصیب بزدلان و بی‌ایمانان و مفسدان و آدمکشان و بی‌عفتان و جادوگران و بت‌پرستان و همه دروغ‌گویان، دریاچه‌ی مشتعل به آتش و گوگرد خواهد بود. این مرگ دوم است.» مکاشفه ۲۱: ۸

۱۷ هیچ‌یک در دل خویش در حق دیگری بد میندیشید، و قسم دروغ را دوست مدارید. زیرا خداوند می‌فرماید: از همه اینها متنفرم.» زکریا نبی ۸: ۱۷

۲۵ پس، از دروغ روی برتافته، هر یک با همسایه‌ی خود سخن به راستی گوئید، چرا که ما همه، اعضای یکدیگریم. افسسیان ۴: ۲۵

۲۲ خداوند از لبهای دروغ‌گو کراهت دارد،

اما راست‌کرداران پسندیده‌ی اویند. امثال ۱۲: ۲۲

معمولا دروغ‌گویی و تحریف حقیقت به دلیل ترس از قضاوت دیگران، جلب خشنودی دیگران، منفعت شخصی، کسب قدرت یا شهرت، مسئولیت‌گریزی و اغفال... است.

خداوند حقیقت مطلق است بدین معنی که خودش استاندارد حقیقت است و بنابراین دروغ و ناراستی خلاف ذات خدا است. کلام خدا نیز که الهام روح القدس یعنی روح راستی و قدوسیت خداست انعکاس حقیقت الهی است؛ بنابراین استاندارد ایمانداران واقعی برای شناخت حقیقت کلام خداست.

۳- شارلاتان‌ها و معلمین کاذب مذهبی که نمایندگان شیطان بر زمین هستند با تعالیم دروغ و کذب در طول تاریخ بشری میلیاردها انسان را روانه جهنم کرده‌اند و این فرمان را زیر پا نهاده‌اند.

۴ خداوند مرا گفت: «این انبیا به دروغ به نام من نبوت می‌کنند. من ایشان را نفرستاده‌ام و فرماتی به ایشان نداده‌ام، و سخنی با ایشان نگفته‌ام. آنچه برای

شما نبوت می‌کنند، رؤیای دروغین، پیشگویی باطل و فریب دل خودشان است.
کتاب ارمیا نبی ۱۴: ۱۴

اما در میان قوم، انبیای دروغین نیز بودند، همان‌گونه که در میان شما نیز
معلمان دروغین خواهند بود که پنهانی بدعت‌های مهلک خواهند آورد و حتی
سروری را که ایشان را خریده، انکار خواهند کرد و این‌گونه، هلاکتی سریع بر
خود فرو خواهند آورد. دوم پطرس ۲: ۱

۴- در دل این فرمان منفی فرمان‌های مثبت گنجانده شده است:

۹ زیرا احکام 'زنا مکن'، 'قتل مکن'، 'دزدی مکن'، 'طمع مورز'، و هر حکم
دیگری که باشد، همه در این کلام خلاصه می‌شود که «همسایه‌ات را همچون
خویشتن محبت کن.» ۱۰ محبت، به همسایه خود بدی نمی‌کند؛ پس محبت تحقق
شریعت است. رومیان ۱۳: ۹ و ۱۰

«۲۵... هر یک با همسایه خود سخن به راستی گویند، چرا که ما همه، اعضای
یکدیگریم.» افسسیان ۴: ۲۵

۱۴ سخنان دهانم و تفکر دلم
در نظرت پذیرفته آید،
ای خداوند، که صخره من و رهاننده من هستی!
مزمور ۱۹: ۱۴

۳۷ پس 'بله' شما همان 'بله' باشد و 'نه' شما 'نه'، زیرا افزون بر این،
شیطانی است. متی ۵: ۳۷

۹ آن که خطایی را می‌پوشاند، محبت را می‌گسترده؛
آن که مسئله را بازگو می‌کند، میان دوستانِ خالص جدایی می‌افکند! امثال ۱۷:
۹

۲۳ هر که مراقب دهان و زبانش باشد،
جان خویش از بلا در امان می‌دارد. امثال ۲۱: ۲۳

۲۹ دهانتان به هیچ سخن بد گشوده نشود، بلکه گفتارتان به‌تمامی برای بنای
دیگران به کار آید و نیازی را برآورده، شنوندگان را فیض رساند. ۳۰ روح
قدوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده‌اید، غمگین مسازید. ۳۱ هر
گونه تلخی، خشم، عصبانیت، فریاد، ناسزاگویی و هر نوع بدخواهی را از خود
دور کنید. ۳۲ با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و همان‌گونه که خدا شما را در
مسیح بخشوده است، شما نیز یکدیگر را ببخشایید. افسسیان ۴: ۲۹-۳۲

آیا «تو» از فرمان نهم در سراسر زندگی ات اطاعت کرده‌ای؟

فرمان دهم

۱۷ «به خانه همسایهات طمع مورز. به زن همسایهات، یا غلام و کنیزش، یا گاو و الاغش، یا هیچ چیز دیگر او، طمع مدار.» خروج ۲۰: ۱۷

فرمان دهم از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا به اعماق انسان نظر دارد و ریشه همه بدی ها، نابسامانی ها و نافرمانی ها را می توان در نهایت در گناه «طمع» یافت!

۶ اما دینداری با قناعت، سودی عظیم است. ۷ چرا که به این جهان هیچ نیاورده ایم و از آن نیز هیچ نخواهیم برد. ۸ پس اگر خوراک و پوشاک و سرپناهی داریم، قانع خواهیم بود. ۹ اما آنان که سودای ثروتمند شدن دارند، دچار وسوسه می شوند و به دام امیال پوچ و زیانباری گرفتار می آیند که موجب تباهی و نابودی انسان می گردد. ۱۰ زیرا پولدوستی ریشه ای است که همه گونه بدی از آن به بار می آید، و بعضی در آرزوی ثروت، از ایمان منحرف گشته، خود را به دردهای بسیار مجروح ساخته اند. اول تیموتائوس ۶: ۶-۱۰

در توضیح فرمان هشتم «دزدی مکن.»، اندکی به گناه طمع اشاره و آن را این چنین تعریف کردیم: طمع عبارت است از خواستن و تمایل شدید و سیری ناپذیر به چیزی یا شخصی که داشتن آن برای ما مجاز نیست. کالبد شکافی دقیق این گناه به ما کمک خواهد کرد که در زندگی روحانی از نیش مهلک آن آگاه باشیم و با جدیت با آن مبارزه کنیم.

سه گناهی که از عمیق ترین لایه های وجودی انسان بیرون می آیند و او را می آلاینند و به موجودی جهنمی تبدیل می کنند عبارتند از:

۱- تکبر و غرور

۲- طمع و آزمندی

۳- شهوت

تکبر و غرور تمایل شدید و سیری ناپذیر به قدرت و برتری بر دیگران است. در حالی که طمع تمایل شدید و سیری ناپذیر به تملک و تصاحب چیزهای دنیوی است و در نهایت شهوت تمایل شدید و سیری ناپذیر به کسب لذت خارج از

چارچوب ارزش های اخلاقی الهی و فراتر از نیازهای فیزیکی است مثلاً خدا خوراک های گوناگون و رنگارنگ و خوش طعم را برای انسان ها آفریده است تا آزادانه از آنها بهره مند شوند و با لذت و خشنودی نیازهای فیزیکی خود را برطرف کنند ولی گناه پرخوری نافرمانی از ارزش های اخلاقی الهی است زیرا به دنبال کسب لذت فراتر از نیازهای فیزیکی است.

هر سه این گناهان (تکبر، طمع و شهوت) از خودپرستی یا خودخواهی که عمیق ترین شرارت وجودی انسان است سرچشمه می گیرند؛ خودخواهی هیولایی است که به شکل های مختلف در انسان ها ظاهر می شود و خودنمایی می کند!

شاید تعجب کنید ولی حتی گناهانی نظیر فروتنی کاذب، تنفر از خویشتن و خودکشی نیز از خودخواهی نشات می گیرند!

این موضوع باور کردنش سخت است ولی حتی گاهی دعاها، مناجات و پرستش ما نیز آلوده به خودخواهی و خودپرستی است زیرا حول و حوش «نیازهای من» «نیازهای بچه های من»، «نیازهای اطرافیان من»، ... می چرخد؛ دعا و پرستشی که ما را به خدا نزدیک می سازد بر اعمال عظیم خدا در آفرینش، اعمال عظیم خدا در رستگاری و نجات انسان و اعمال عظیم خدا در آفرینش آسمان و زمین جدید که در آینده تحقق خواهند یافت متمرکز است؛ دعا و پرستشی که از خودخواهی سرچشمه می گیرد اکثراً به دور «من» و «خواستہ های من» می چرخد؛ به زبانی دیگر به حضور خدا می رویم و به جای خدا خودمان را می پرستیم!

۹ دل از همه چیز فریبنده تر است،

و بسیار بیمار؛

کیست که آن را بشناسد؟

۱۰ «من، یهوه، کاوشگرِ دل و آزماینده افکارم؛

تا به هر کس بر حسب راههایش

و بر وفق ثمره کارهایش سزا دهم.» کتاب ارمیانی ۱۷: ۱۰ و ۹

جالب اینکه چنین دعاهایی مملو از دادن اطلاعات به خدا است؛ گویی حتی باور نداریم که خدای همه دانا از نیازهای ما مطلع است و احتیاجی به اطلاعات ما ندارد!

فراموش نکنید که آدم و حوا لحظه ای که اراده و خواسته خود را بر اراده خدا ترجیح دادند یعنی به جای خدا تصمیم گرفتند خودشان را بپرستد سقوط کردند و به ته دره گناه و مرگ غلطیدند:

۶ چون زن دید که آن درخت خوش‌خوراک است و چشم‌نواز، و درختی دلخواه برای افزودن دانش، پس از میوه آن گرفت و خورد، و به شوهر خویش نیز که با وی بود داد، و او خورد. پیدایش ۳: ۶

توجه کنید که در آیه فوق حوا حتی پیش از آنکه میوه درخت ممنوعه را بخورد سقوطش به دره گناه آغاز شده بود زیرا گناه طمع حوا را در چنگال مخوفش گرفتار کرده بود؛ حوا از بین همه میوه های لذیذ و خوش مزه باغ عدن که می توانست از همه آنها آزادانه و بی ممانعت بخورد میوه درخت شناخت نیک و بد را که خدا خوردنش را ممنوع کرده بود برگزید زیرا آن را دلپذیرتر، زیباتر و خوش خوراک تر از بقیه میوه ها یافت!

علت این فاجعه را می توان در آیه قبلی دید مار (ابلیس) با فریب حوا به او القا کرد که اگر وی از میوه درخت ممنوعه بخورد شبیه خدا خواهد شد!

۵ بلکه خدا می‌داند روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز خواهد شد و همچون خدا شناسنده نیک و بد خواهید بود. « پیدایش ۳: ۵

این دقیقاً گناهی بود که شیطان را از اوج عزت به حضيض ذلت و شرارت کشاند.

دقت کنید که بین مفهوم «محبت به خود» با «خود خواهی» فاصله ای بی نهایت است اولی از محبت به خدا سرچشمه می گیرد و تمام وجود ما را اشباع می کند و از آن به دیگران نیز سرازیر می شود «همسایه خود را چون خویشتن محبت کن.»! ولی دومی ضد خدای واقعی است زیرا از پرستش «سرچشمه حیات و خوشبختی ابدی» یعنی خدا سر باز میزند و از او فرسنگ ها فاصله می گیرد که طبعا به مرگ و هلاکت ابدی می انجامد؛ خودخواهی و خودپرستی مانند آتشفشان فعالی است که از عمق هایش مواد مذاب، سمی و کشنده فوران می کند و دامنه کوه و حتی مناطق اطراف را گاهی تا کیلومتر ها می پوشاند؛ از خودخواهی و خودپرستی نیز شرارت جاری می شود و انسان را در هر لایه وجودی اش (روح، جان و جسم) آلوده می کند و به دیگران نیز آسیب می رساند. در نهایت میوه بسیار تلخ خودپرستی و خودخواهی مرگ ابدی است! یکی از میوه های تلخ خودخواهی، گناه طمع است.

فرمان دهم مستقیما به سراغ این گناه بسیار عمیق و درونی انسان می رود و مرگبار بودن آن را نشان می دهد. بر خلاف فرمان های پنجم تا نهم که در ظاهر جنبه بیرونی دارند مانند «قتل مکن.»، «دزدی مکن.»، «زنا مکن»... این فرمان مستقیما رفتار گناه آلود درونی را منع می کند و از این نظر بسیار منحصر به فرد است. در واقع فرمان دهم مهر تاییدی است بر تفسیری که در این بررسی از ده فرمان ارائه داده ایم یعنی خدا علاوه بر رفتار بیرونی آنچه را که در درون انسان می گذرد نیز ارزیابی می کند!

بنابراین ده فرمان خدا نه تنها رفتارهای بیرونی (گفتار، اعمال) بلکه آنچه را که در ذهن و ضمیر انسان (تفکر، انگیزه، اراده، احساس، تمایلات...) می گذرد نیز پوشش میدهد.

۱- همانطور که در بالا اشاره کردیم طمع از خودپرستی و خودخواهی سرچشمه می‌گیرد و طبعا نوعی بت پرستی است و بنابراین سرپیچی از فرمان دهم قطعا سرپیچی از فرمان اول و دوم است:

هپس اعضای خود را که بر زمین است مقتول سازید، زنا و ناپاکی و هوی و هوس و شهوت قبیح و طمع که بت پرستی است ۶ که به سبب اینها غضب خدا بر ابنای معصیت وارد می‌آید. کولسیان ۳: ۵ و ۶

۲- در فرمان دهم همه شرارت های درونی و بیرونی که از طمع ناشی می‌شوند نیز گنجانده شده است. میوه های تلخی مانند حسادت، نارضایتی و ناخشنودی از وضعیت مالی تان به دلیل اینکه خود را با دیگران مقایسه می‌کنید، بدگویی، تهمت زدن و افترا به افرادی که از نظر مالی موفق و ثروتمند هستند و داشتن سوظن نسبت به آنان، کینه و دشمنی، اعتقاد به افکار مارکسیستی و کمونیستی، خشم، دزدی و سرقت، خرابکاری، قتل... همگی می‌توانند از گناه طمع سراریر شوند.

۳- در فرمان دهم به طور کلی خودخواهی که به تکبر، شهوت طلبی، طمع و شرارت های دیگری می‌انجامد نیز منع شده است.

۶ زیرا هر جا حسد و جاه طلبی باشد، در آنجا آشوب و هر گونه کردار زشت نیز خواهد بود. یعقوب ۳: ۱۶

در آیه فوق کلمه یونانی «*ἐριθεία*» اِریتیا» که در فارسی «جاه طلبی» ترجمه شده است معنی خودخواهی نیز می‌دهد.

۶ خدا «به هر کس بر حسب اعمالش سزا خواهد داد.»... ۸ اما بر خودخواهان و منکران حقیقت و شرارت‌پیشگان، خشم و غضب خود را فرو خواهد ریخت.
رومیان ۲: ۶ و ۸

۴- در فرمان دهم فرمان های مثبتی نظیر «همسایه خود را همچون خویشان محبت نما.»، «قانع باش.» «به خدا توکل کن.»، «شکرگزار باش.»، «در خداوند شاد باش.»... نیز گنجانده شده است:

۹ زیرا احکام 'زنا مکن'، 'قتل مکن'، 'دزدی مکن'، 'طمع مورز'، و هر حکم دیگری که باشد، همه در این کلام خلاصه می‌شود که «همسایه‌ات را همچون خویشان محبت کن.» ۱۰ محبت، به همسایه خود بدی نمی‌کند؛ پس محبت تحقق شریعت است. رومیان ۱۳: ۹ و ۱۰

۶ اما دینداری با قناعت، سودی عظیم است. ۷ چرا که به این جهان هیچ نیاورده‌ایم و از آن نیز هیچ نخواهیم برد. ۸ پس اگر خوراک و پوشاک و سرپناهی داریم، قانع خواهیم بود. اول تیموتائوس ۶: ۶ و ۷

۵ زندگی شما بری از پولدوستی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید، زیرا خدا فرموده است:

«تو را هرگز وا نخواهم گذاشت،
و هرگز ترک نخواهم کرد.» عبرانیان ۱۳: ۵

۱۶ همیشه شاد باشید؛ ۱۷ پیوسته دعا کنید؛ ۱۸ در هر وضعی شکرگزار باشید، زیرا این است اراده خدا برای شما در مسیح عیسی. اول تسالونیکیان ۵: ۱۶-۱۸

آیا «تو» از فرمان دهم در سراسر زندگی ات اطاعت کرده ای؟

اگر می خواهید سعادت مند و خوشبخت باشید و از ارزش های اخلاقی خدا پیروی کنید باید سکان زندگی تان را به دست های روح القدس بسپارید تا کشتی شما را در دریای طوفانی و متلاطم این دنیا هدایت کند و میوه های شیرین ابدی و ماندگار در شما به بار آورد:

۲۲ اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری،
 ۲۳ فروتنی و خویشنداری است. هیچ شریعتی مخالف اینها نیست. غلاطیان ۵:
 ۲۲ و ۲۳

فیض عیسی مسیح خداوند، محبت خدای پدر و شراکت روح القدس با همه شما باشد و بماند. آمین

کتاب خروج فصل ۲۰

ده فرمان

۱ آنگاه خدا همه این سخنان را فرمود:

۲ «مَنْم یهوه خدای تو، که تو را از سرزمین مصر، از خانه بندگی، بیرون آوردم.

۳ «تو را خدایان غیر جز من میباشد.

۴ «هیچ تمثال تراشیده‌ای برای خود مساز، خواه به شکل هر آنچه بالا در آسمان باشد و یا پایین بر زمین و یا در آبهای زیر زمین. ۵ در برابر آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما؛ زیرا من، یهوه خدای تو، خدایی غیورم که جزای تقصیرات پدران را به فرزندان و پشت سؤم و چهارم آنان که مرا نفرت کنند می‌رسانم. ۶ اما کسانی را که مرا دوست بدارند و فرمانهایم را حفظ کنند، تا هزار پشت محبت می‌کنم.

۷ «نام یهوه خدایت را به ناشایستگی مبر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به ناشایستگی برد بی‌سزا نخواهد گذاشت.

۸ «روز شَبّات را به یاد داشته باش و آن را مقدس شمار. ۹ شش روز کار کن و همه کارهایت را انجام بده، ۱۰ اما روز هفتم، شَبّات یهوه خدای توست. در آن هیچ کار مکن، نه تو، نه پسر یا دخترت، نه غلام یا کنیزت، نه چارپایانت، و نه غریبی که درون دروازه‌های توست. ۱۱ ازیرا خداوند در شش روز آسمان و زمین و دریا را با هر آنچه در آنهاست بساخت، اما روز هفتم فراغت یافت. از همین رو، خداوند روز شَبّات را برکت داده، آن را تقدیس فرمود.

۱۲ «پدر و مادر خود را گرامی دار تا در سرزمینی که یهوه خدایت به تو می‌بخشد، روزهایت دراز شود.

۱۳ «قتل مکن.

۱۴ «زنا مکن.

۱۵ «دزدی مکن.

۱۶ «بر هم‌نوع خود شهادت دروغ مده.

۱۷ «به خانه همسایه‌ات طمع موز. به زن همسایه‌ات، یا غلام و کنیزش، یا گاو و الاغش، یا هیچ چیز دیگر او، طمع مدار.»

۱۸ چون قوم رعد و برق را دیدند، و آواز گرنا را شنیدند، و کوه را که پر از دود بود مشاهده کردند، جملگی به خود لرزیدند. آنها دور ایستادند و ۱۹ به

موسی گفتند: «تو خود با ما سخن بگو و ما خواهیم شنید، اما خدا با ما سخن نگوید، مبادا بمیریم.» ۲۰ موسی به قوم گفت: «مترسید. خدا آمده است تا شما را بیازماید تا ترس او را به دل داشته باشید و گناه نکنید.» ۲۱ پس قوم از دور ایستادند و موسی به تاریکی غلیظ که خدا در آن بود نزدیک شد.

بتها و مذبحها

۲۲ آنگاه خداوند به موسی گفت: «بنی اسرائیل را چنین بگو: ”شما خود دیدید که از آسمان با شما سخن گفتم. ۲۳ خدایان نقره در کنار من مسازید؛ خدایان طلا برای خود مسازید. ۲۴ مذبحی از خاک برایم بساز و بر آن قربانیهای تمامسوز و قربانیهای رفاقت از گله و رمة خویش تقدیم کن. هر جا که گرامیداشت نام خویش را سبب کردم، نزد تو خواهم آمد و تو را برکت خواهم داد. ۲۵ اگر مذبحی از سنگ برایم می سازی، آن را از سنگهای تراشیده مساز، زیرا اگر افرات را بر آن به کاربری آن را نجس می سازی. ۲۶ و بر مذبح من از پله ها بالا مرو، مبادا عریانی تو بر آن دیده شود.»